

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۵

شهد سخن

ولایت در قرآن

عنوان:

شهد سخن ۵ : ولایت در قرآن
(نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه سوم ماه مبارک رمضان)

تهیه:

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

صفحه‌آرایی:

دفتر فرهنگی هنری باران

نوبت چاپ:

اول، خرداد ماه ۱۳۹۳

نشانی:

قم، ۴۵ متری آیت الله صدوقی (ره)، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل (علیه السلام)،

پلاک ۱۰۳، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

کدپستی:

۳۷۱۳۱۶۳۴۳۱

تلفن:

۰۲۵-۳۲۹۲۳۸۳۵-۳۶

دورنگار:

۳۲۹۲۳۸۳۷



مرکز رسیدگی به امور مساجد
دفتر مطالعات و پژوهش‌ها

فہرست

پیشگفتار	۷
مقدمہ مولف	۹
آداب دعا	۱۵
دعا	۲۵
ولایت امیرالمومنین علیہ السلام و پاسخ بہ شبہات	۳۵
معرفت بہ امام (ویژگی ائمہ علیہم السلام : علم)	۴۵
امام زمان علیہ السلام و شب قدر	۵۵
حب اہل بیت علیہم السلام ، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزندان	۶۵
اطاعت از اہل بیت علیہم السلام ، شیعہ و ویژگے گھا	۷۵
دفاع از شیعہ (۱، پاسخ بہ شبہات و ہابیت- زیارت)	۸۵
دفاع از شیعہ (۲، پاسخ بہ شبہات و ہابیت- توسل)	۹۵
مقام شیعہ در قیامت	۱۰۵
شیعہ و آخر الزمان و ظہور امام زمان علیہ السلام	۱۱۵
رجعت و بازگشت امامان و شیعیان شان و حکومت	
صالحان در زمین	۱۲۵
عید فطر و حفظ دستاورد ہائے ماہ مبارک رمضان	۱۳۵
فہرست تفصیلی	۱۴۳

هُوَ الْعَلِيمُ

ماه مبارک رمضان «شهر الله» است و ماه نزول قرآن، «کلام الله» است و رهاورد رسالت حضرت محمد ﷺ «رسول الله». ماه عروج و شهادت امیر مؤمنان علی علیه السلام «ولی الله» .

ماه تبلیغ معارف اهل بیت است که آل الله اند.

در این ایام که مصداق حقیقی «ایام الله» اند و بهار معارف قرآن و اهل بیت است، مساجد که «بیوت الله» اند، میعادگاه جانهای زنده و قلوب مستعدی هستند که آماده پذیرش کلام وحی و مفسران حقیقی قرآنند.

آنچه در این ایام و لیالی بیش از هر چیز مورد تقاضا و درخواست مخاطبان مؤمن منابر و محافل مذهبی و دینی است، سلسله مباحث معنوی، اخلاقی و معرفتی است که برگرفته از قرآن و روایات و سیره‌ی معصومان است باشد و در قالبی نو و با بیانی رسا و ارائه‌ای دلنشین عرضه گردد.

مرکز رسیدگی به امور مساجد در راستای رسالت خود در ارائه خدمات فرهنگی، تبلیغی مجموعه‌ای از منشورات و مقالات و

کتاب‌های سودمند را به مناسبت ماه مبارک رمضان و مناسبت‌های دیگر تهیه و تدارک دیده است. این جزوه حلقه‌ای از سلسله محصولات محتوایی است که مباحث گوناگون معرفتی، اخلاقی، تاریخی و اجتماعی را بر اساس روش‌های موجود منبر و خطابه-که از سلف صالح برایمان به یادگار مانده است- تألیف و فرآوری کرده است. از تلاش‌های محققین و فضلالی مؤسسه تخصصی خطابه امیربیان و همکاران محترم دفتر مطالعات و پژوهش‌های قم در تهیه و ارائه این مجموعه محتوایی قدردانی می‌شود.

نقدها و نظرات و پیشنهادهای سازنده شما بزرگواران راهنمای راه آینده ما خواهد بود.

والسلام علیکم و رحمه الله
مرکز رسیدگی به امور مساجد
معاونت فرهنگی - اجتماعی

باسمه تعالی

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ»^۱

قرآن کتاب هدایت است و سزاوار است به عنوان منبعی در استخراج روش‌های هدایت مورد توجه مبلغان دینی قرار گیرد. با اندکی تأمل بر آمارهای قرآنی می‌توان به نتایج قابل توجهی پیرامون شیوه تربیت و هدایت در قرآن دست یافت. به نمونه‌ای از این آمارها که مبنای موضوعات فیش‌های این مجموعه قرار گرفته است، اشاره می‌کنیم:

وقتی به موضوعات مطرح شده در ۶۶۳۶ آیه قرآن توجه می‌کنیم، درمی‌یابیم: بیش از دو هزار آیه به صورت مستقیم و غیر مستقیم به معرفت اسماء و صفات خداوند متعال می‌پردازد؛

حدود دو هزار آیه به معاد و مواقف بعد از مرگ و نتایج اعمال در دنیای پس از مرگ می‌پردازد؛ و حدود دو هزار آیه به داستان‌های انبیاء و مسأله نبوت و ولایت مربوط است.

این در حالی است که تعداد آیات قرآنی پیرامون فروعات دین؛ مانند حجاب ۴ آیه، غیبت ۱ آیه، نگاه حرام ۲ آیه، امر به معروف و

۱. سوره الإسراء، آیه ۹.

نهی از منکر ۳۷ آیه است، حتی تعداد آیات مربوط به موضوعات مهمی مانند نماز و جهاد به ترتیب از ۹۸ و ۴۱ آیه تجاوز نمی‌کند. شاید بشود گفت؛ همه این موضوعات فرعی در مجموع تقریباً ۶۳۶ آیه را شامل می‌شود.

مقایسه تعداد آیات پیرامون خدا، قیامت و ولایت با بقیه موضوعات اخلاقی و احکامی نشان می‌دهد که برای شکل‌گیری رفتارهای دینی، باید ایمان به پایه‌های اعتقادی را در فرد مستحکم کرد. در عالم خارج هم این نظریه قابل اثبات است که هر جا فرد در انجام حکمی از احکام دین کوتاهی می‌کند به خاطر ضعف در یک یا چند پایه اعتقادی اوست؛ به عنوان مثال، اگر کسی خمس نمی‌دهد یا در کسب و کارش حلال و حرام را رعایت نمی‌کند، اعتقادش به رزاقیت الهی و عذاب سخت کسب حرام در قیامت ضعیف است، وگرنه هرگز مرتکب این رفتارها نمی‌شد، همچنان که اگر از متدینین اهل تقوی و رعایت احکام شرع پرسیده شود چه عاملی موجب تقید آن‌ها به احکام و اخلاق دینی است، پاسخ آن‌ها از چند حالت خارج نخواهد بود؛ یا به خاطر جلب رضایت الهی و علاقه به حضرت حق است، یا ترس از عقاب و امید به پاداش اخروی، و یا محبت به ولایت و اطاعت‌پذیری از حضرات اهل بیت (علیهم‌السلام). بنابراین، اگر بخواهیم تغییری در رفتارهای مخاطبان خود ایجاد کنیم، لازم است ابتدا زیر ساختهای اعتقادی آن‌ها را استحکام ببخشیم و در ضمن تبیین زیر بناهای اعتقادی، مفاهیم اخلاقی را برای آن‌ها تبیین نموده تا تأثیرگذار باشد.

در کل فیش‌های سخنرانی این مجموعه که برای پذیرایی شما عزیزان از مهمانان ماه خدا تدارک دیده شده است، این مبنای قرآنی لحاظ شده است. در دهه اول ماه مبارک، صفات و اسماء الهی؛ دهه دوم، معاد و مواقف بعد از مرگ؛ و دهه سوم، مفاهیم مرتبط با ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) مورد بحث قرار گرفته است و در هر جلسه یک پیام اخلاقی در ضمن موضوع فیش (در قسمت رفتار سازی) مورد توجه قرار داده شده است. موضوعات و پیام‌های ۳۴ جلسه به ترتیب ذیل می‌باشد:

خداشناسی در قرآن

موضوعات / پیام‌ها

فرصت ماه میهمانی خدا / تقوا

آشنایی با میزبان / یاد خدا در همه کارها

رحمت واسعه / حکمت عدم استجاب دعا

غضب الهی / ایمن دانستن خود از عذاب الهی

قدرت الهی / توکل

رزاقیت الهی / مال حرام

علم الهی / در محضر خدا معصیت نکنید

غفار الذنوب / بخشش دیگران

ربوبیت، مالکیت، خالقیت / فلسفه احکام

خداشناسی حضرت خدیجه (علیها‌السلام) / انفاق برای یاری دین خدا

معاد در قرآن

موضوعات / پیام‌ها
 مرگ / وصیت کردن
 قبر / بد اخلاقی با خانواده
 برزخ / امانت داری
 محشر و قیامت / صبر در مشکلات
 شفاعت و امام حسن مجتبی (ع) / گره‌گشایی از برادران دینی
 میزان اعمال، نامه اعمال، حوض کوثر / حسن خلق
 پل صراط / حق الناس
 جهنم / عجب و خود شیفتگی
 ولایت امیرالمومنین (ع)، شرط ورود به بهشت، قسم النار والجنة /
 رسیدگی به ایتام
 ولایت الله و ولایت رسول (ص) و ولایت ائمه (ع) / ولایت فقیه

ولایت در قرآن

ولایت امیرالمومنین (ع) و پاسخ به شبهات، اهل سنت / دفاع از ولایت
 معرفت به امام / درک محضر امام
 امام زمان (عج) و شب قدر / خمس
 حب اهل بیت (ع)، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزندان / تربیت فرزند
 اطاعت از اهل بیت (ع)، شیعه و ویژگی‌ها / تقیه
 دفاع از شیعه ۱. پاسخ به شبهات وهابیت / زیارت اهل بیت (ع)
 دفاع از شیعه ۲. پاسخ به شبهات وهابیت / توسل به ائمه اطهار (ع)
 مقام شیعه در قیامت / هدایت دیگران
 شیعه و آخر الزمان و ظهور امام زمان (عج) / زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان (عج)
 رجعت و بازگشت امامان و شیعیانشان و حکومت صالحان در زمین / ایمان

شب‌های قدر و عید فطر

موضوعات / پیام‌ها

دعا / حسن ظن به خدا

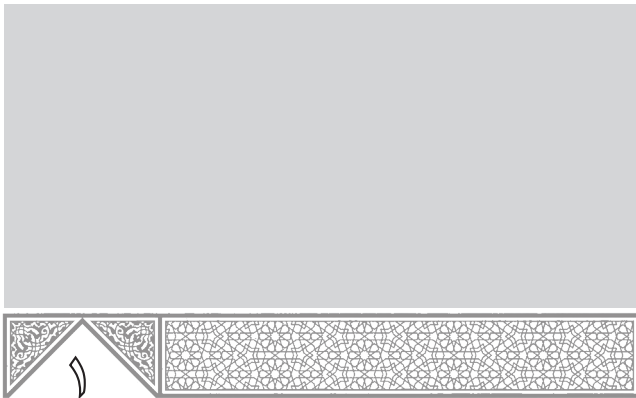
شرایط استجاب دعا / امر به معروف و نهی از منکر

آداب دعا / رضایت به اراده الهی

عید فطر / مراقبه و محاسبه اعمال

امیدواریم تلاش خدمتگزاران شما در مرکز مطالعات و پژوهش‌های امور مساجد و موسسه تخصصی خطابه امیر بیان مورد استفاده شما آباد گران سنگرهای مساجد قرار گیرد و موجبات رضایت خداوند متعال را که میزبان مهربان این ماه عزیز است، فراهم نماید، ان شاء الله.

مدیر موسسه تخصصی خطابه امیر بیان



آداب دعا

انگیزه‌سازی

روزی پیامبر خدا ﷺ در مسجد بود، مردی وارد مسجد شد، دو رکعت نماز خواند و بعد از نماز، دست به دعا برداشت. پیامبر ﷺ فرمود: «این بنده در دعا و درخواست خود از خدا، شتاب کرد (و قبل از ثنای الهی دعا نمود).» سپس مرد دیگری وارد مسجد شد و دو رکعت نماز خواند، پس از نماز، ثنای به جا آورد (یعنی خدا را به اوصافش یاد کرد) و بعد بر محمد ﷺ و آلش، صلوات فرستاد، آنگاه دعا کرد. پیامبر ﷺ (روش دعا کردن او را پسندید، نزد او رفت و) به او فرمود: سَلِّ تَعَطِّ: درخواست کن که به تو داده شود؛ دعا کن که دعایت به استجابت می‌رسد.^۱

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۵، باب الثناء قبل الدعاء، حدیث ۶.

افناع اندیشه

امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی یکی از شماها نزد شخصی برای حاجتی می رود، آن شخص دوست دارد که قبل از عرض درخواست، سخن خوشی در میان آید.^۱ و ما در مسائل روزمره برای هر کاری که انجام می دهیم، دقت می کنیم و قبل از آن مقدماتی را به وجود می آوریم؛ مثلاً برای مهمانی لباس های نظیف می پوشیم و خود را معطر می کنیم، سعی می کنیم سر موقع برویم تا دیگران را منتظر نگذاریم، یقیناً دعا کردن هم متفاوت از این برنامه ها نیست. امشب هم شب دعا و خواستن از خداست، امشب شب استجاب دعاهاست، چرا که درهای رحمت الهی باز است، و خدا به خاطر صاحب امشب، امام زمان (علیه السلام)، انشاء الله دعاها مان را مستجاب می کند، اما خوبست کمی در مورد آداب دعا با هم صحبت کنیم، باشد که همه با دعا های مستجاب از اینجا برویم، البته در دعا مسئله فقط استجاب نیست، امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ يُسْئَلَ وَيُطْلَبَ مِمَّا عِنْدَهُ وَ مَا أَحَدٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِمَّنْ يَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْأَلُ مَا عِنْدَهُ.»

هیچ چیزی نزد خداوند افضل از این نیست که دست دعا و مسئلت به پیشگاه او دراز کنند و فضل و نعمت او را تقاضا کنند و نزد خداوند هیچ کس مبغوض تر و منفورتر از کسانی که از عبادت او

۱. همان، حدیث ۷.

تکبر می‌ورزند و از مواهب او تقاضا نمی‌کنند، نیست.^۱

پرورش احساس

عبد الله فراء می‌گوید: حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَاهُ وَ لَكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُبَيِّنَ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ فَإِذَا دَعَوْتَ فَسَمِّ حَاجَتَكَ.»

خدای تبارک و تعالی می‌داند که بنده‌اش چه می‌خواهد؛ هرگاه به درگاهش دعا کند، لیکن دوست دارد که حاجت‌ها به درگاهش شرح داده شود، پس هرگاه دعا کردی حاجتت را نام ببر.^۲

البته یک نکته را هم مد نظر داشته باشیم:

حافظ وظیفه تو دعا کردن است و بس

در بند آن مباش که نشنید یا شنید

خداوند به دل می‌نگرد نه به زبان، به همین دلیل از خطای مرد ساده گذشت نمود. مردی بادیه نشین و بی سواد نزد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) رفت و عرض کرد: «ای رسول خدا، شما دعا‌های زیادی را به مردم تعلیم فرموده‌اید، ولی من بی سواد و عاجز هستم و نمی‌توانم تمام آن‌ها را به خاطر بسپارم. به من دعایی بیاموز که برایم کافی باشد.» حضرت فرمود: «بگو: خداوندا! تو پروردگار من هستی و من بنده توام. این جمله برایت کافی است.» مرد با خوشحالی از نزد پیامبر رفت، ولی چون فردی عامی و بی سواد بود، نتوانست دعا را درست بخواند.

۱. الکافی، ج ۲، باب فضل الدعاء و الحث علیه، ص ۴۶۶.

۲. الکافی، ج ۲، باب تسمیة الحاجة فی الدعاء، ص ۴۷۶.

او شب و روز این جمله را تکرار می‌کرد: «خداوندا، تو بنده من هستی و من پروردگار توام!» هرگاه این جمله از دهان او خارج می‌شد، غلغله‌ای در آسمان‌ها و در ملکوت اعلی می‌افتاد و فرشتگان از گستاخی این مرد به لرزه می‌افتادند. تا این که جبرئیل نزد پیامبر ﷺ رفت و عرض کرد: «ای پیامبر خدا! به آن مرد عامی جمله‌ای فرموده‌ای که از معنی آن اطلاعی ندارد و آن را طوری بیان می‌کند که کفر می‌باشد.» به دستور پیامبر، آن مرد را حاضر کردند. پیامبر از وی پرسید: «دعایی را که به تو آموختم، چگونه بیان می‌کنی؟» مرد عرض کرد: «از تعلیم شما بسیار شاد و خرسند می‌باشم و هر وقت این جمله را بیان می‌کنم، منتظر ثواب آن هستم.» سپس جمله‌اش را برای پیامبر ﷺ تکرار کرد. حضرت فرمود: «تو عکس آن چیزی را که من به تو آموخته‌ام بیان می‌داری. زنهار! بعد از این، چنین مگو که کافر می‌شوی.»

مرد بسیار غمگین و دل شکسته گردید و عرض کرد: «ای رسول خدا! مدّتی ندانسته کفر گفته‌ام، اکنون بفرمائید چگونه گذشته را جبران کنم؟» جبرئیل از طرف خداوند نازل شد و عرض کرد: «یا رسول الله! خداوند فرموده است:

«اگر غلط بر بنده من رواست، بر من روا نیست. من به دل بنده نگاه می‌کنم نه بر زبان او. اگر بنده‌ای بر زبانش سهوی جاری شود، ولی دل او پر ایمان باشد، ما خطای او را صواب به حساب می‌آوریم.»^۱

اخلاص عمل به محضر یار بیار

بگذر ز زبان، دل سوی دلداریار

در بحر دل ار گوهر صدقی داری

ما طالبِ اوئیم و خریدار، بیار

دیل کارنگی روانشناس معروف می گوید: هنگامی که کارهای

سنگین قوای ما را از بین می برد و اندوه ها، هر نوع اراده ای را از ما

سلب می کند و بیشتر اوقات که درهای امید روی ما بسته می شود،

به سوی خدا روی می آوریم، ولی اصلاً چرا بگذاریم روح یأس و

نومیدی بر ما چیره شود؟ چرا همه روزه به وسیله خواندن نماز و به

جا آوردن حمد و ثنای خداوند قوای خود را تجدید نکنیم؟^۱

رفتار سازی

برای دعا کردن و بار یافتن به محضر دوست، و بهره مندی

بیشتر از فیض و رحمت الهی، آن هم در این شب های بزرگ،

آدابی نیاز است:

۱. دعا همراه ستایش الهی و صلوات باشد.

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

«إِيَّاكُمْ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْأَلَ مِنْ رَبِّهِ شَيْئاً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ حَتَّى يَبْدَأَ بِالثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمَدْحِ لَهُ وَ الصَّلَاةِ

عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ حَوَائِجَهُ.»

حارث بن مغیره گوید: شنیدم حضرت صادق عليه السلام می فرمود: مبادا

چون یکی از شما بخواهد از پروردگار خویش چیزی از حاجات دنیا و آخرت مسألت کند، بدان مبادرت ورزد تا به ستایش او و صلوات بر پیغمبر ﷺ سخن خود را آغاز کند، و سپس حاجات خود را بخواهد.^۱

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ دَعَا وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ ﷺ رَفَرَفَ الدُّعَاءُ عَلَى رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ ﷺ رُفِعَ الدُّعَاءُ.

هر که دعائی کند و نام پیغمبر ﷺ را نبرد، آن دعا بالای سرش (چون پرنده‌ای) بچرخد، و چون نام پیغمبر ﷺ را برد دعا بالا رود.^۲

۲. رضایت به اراده الهی:

در روایات آمده است که هنگام دعا، به خدا و اجابت دعا توسط او اطمینان داشته باشید و باور شما این باشد که خدا دعایتان را به اجابت می‌رساند و اگر طبق مصالحی به اجابت نرسد، بهتر از آن را به شما خواهد داد.^۳

حضرت موسی علیه السلام درویشی را دید که به خاطر برهنگی به زیر ریگ‌ها پناه برده بود. آن مرد وقتی موسی علیه السلام را دید، گفت: دعا کن خدا مرا از این وضع نجات دهد که بی‌طاقت شده‌ام. موسی علیه السلام دعا کرد و رفت. چند روزی از مناجات آن حضرت گذشت که بار دیگر مرد را دید، در حالی که گروه زیادی از مردم دور او را گرفته بودند، پرسید: چه شده است؟ گفتند: این مرد شراب خورده

۱. الکافی، ج ۲، باب الثناء قبل الدعاء، ص ۴۸۴.

۲. همان، باب الصلاة على النبي محمد و أهل بيته عليهم السلام، ص ۴۹۱.

۳. کافی، ج ۲، ص ۴۷۳.

و عربده کشی کرده و شخصی را کشته است. اکنون او را قصاص می‌کنیم. موسی علیه السلام به حکم خدای حکیم پی برد و از جسارت خود استغفار کرد.

کسی که توانگرت نمی‌گرداند

او مصلحت تو از تو بهتر داند

۳. دعا را به صورت دسته جمعی انجام دهیم:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَا مِنْ رَهْطٍ أَرْبَعِينَ رَجُلًا اجْتَمَعُوا فَدَعَوْا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعِينَ فَأَرْبَعَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعَةً فَوَاحِدٌ يَدْعُو اللَّهَ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فَيَسْتَجِيبُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ لَهُ.»

هیچ چهل نفر مردی برای دعا نزد هم اجتماع نکنند و خدای عزوجل را در کاری نخوانند (و دعا نکنند) جز اینکه خداوند دعای آن‌ها را مستجاب کند، پس اگر چهل نفر نبودند، و چهار نفر بودند (نزد هم جمع شوند و) ده بار خدای عز و جل را بخوانند، خداوند دعایشان را اجابت کند؛ و اگر چهار نفر هم نباشند و یک نفر باشد که چهل مرتبه خدا را بخواند، پس خدای عزیز جبار برای او اجابت کند.^۱

روضه

اگر امشب با پای دل‌مان برویم کوفه، می‌بینیم اعضای خانواده امیرالمؤمنین علیه السلام برای ماندن پدر دعا می‌کنند. حسنین و زینب...

۱. الکافی، ج ۲، باب الاجتماع فی الدعاء، ص ۴۸۷.

اما یک وقت نفس‌های علی علیه السلام به شماره افتاد و چشم‌ها به گودی رفت. چشمانش را به در اتاق دوخت، صدا زد: «وَعَلَيْكُمْ السَّلَام یا رسل ربی.»^۱ ای فرستاده! خوش آمدی. جبرئیل! خوش آمدی. یا رسول الله! خوش آمدی.

بعد شروع کرد به قرآن خواندن: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ.»^۲

آخرین کلامی که از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام خارج شد، همین آیه قرآن بود. ضربان قلب علی علیه السلام ایستاد و صدای شیون از درون خانه بلند شد: وا محمداه! وا علیاه!

خدایا، چه سنتی شد؟ بدن فاطمه علیه السلام شب دفن شد. بدن رسول الله صلی الله علیه و آله شب دفن شد. بدن امیرالمؤمنین علیه السلام شب دفن شد. خوارج آن قدر خبیث بودند که اگر محل دفن را می دانستند، ممکن بود قبر را بشکافند و بدن را بیرون بکشند.

یا امیرالمؤمنین علیه السلام! یا ابا الحسن علیه السلام! بچه‌هایت در کنار قبرت نشستند، صعصعه روضه خواند و آن‌ها گریه کردند و بدنت را داخل قبر گذاشتند. قربان آن آقای که راوی درباره‌اش می‌گوید:

دیدم علی بن الحسین علیه السلام وارد قبر شد، بدن بی سرابی عبدالله علیه السلام را به آرامی درون قبر گذاشت و شروع کرد به روضه خواندن. قبیله بنی اسد دیدند امام سجاد علیه السلام بیرون نیامد، دیدند آقا لب‌ها را به رگ‌های بریده گذاشته... سنگ لحد را چید و با

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۲، ص ۲۹۳.

۲. نحل / ۱۲۸.



انگشت مبارکش روی قبر نوشت: هذا قبر حسین بن علی الذی
قتلوه عطشاناً.

هرکجا نشسته‌ای سه مرتبه بگو: یا حسین...

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نشد

آری آن جلوه که فانی نشود نور خداست

انگیزه‌سازی

ولید بن صبیح می‌گوید: در راه مکه و مدینه همنشین امام صادق علیه السلام بودم که سائلی نزد ایشان آمد. ایشان امر کردند به او مبلغی عطا شود، سپس نیازمند دیگری آمد و حضرت امر فرمودند به او هم عطا شود تا چهارمین سائل به همین منوال گذشت، نوبت به چهارمین فقیر که رسید، حضرت برای او دعا کردند و فرمودند: «يُشْبِعُكَ اللَّهُ». سپس رو به ما کردند و فرمودند: نزد ما به اندازه‌ای که اعطا کنیم آن را هست، اما می‌ترسم جزء سه گروهی قرار بگیرم که دعایشان مستجاب نمی‌شود. سپس حضرت آن سه گروه را معرفی نمودند:

«رَجُلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ

اَزْزُقْنِي، فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُ؛ وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى امْرَأَتِهِ أَنْ يُرِيحَهُ مِنْهَا،
وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - أَمْرَهَا إِلَيْهِ؛ وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى جَارِهِ،
وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - لَهُ السَّبِيلَ إِلَى أَنْ يَتَحَوَّلَ عَنْ جَوَارِهِ،
وَ يَبِيعَ دَارَهُ.»^{۱۲}

۱. کسی که خداوند متعال به او مالی عطا می کند، پس آن را در راه غیر حق انفاق می کند و می گوید: خدایا! به من روزی عنایت کن. پس دعایش مستجاب نمی شود.
۲. کسی که دعا می کند از دست زنش راحت شود؛ در حالی که خداوند طلاق را به دستش داده است.
۳. کسی که دعا می کند بر علیه همسایه اش؛ در حالی که خداوند عَزَّ وَ جَلَّ راهی برای فروش خانه اش برایش فراهم کرده تا همسایه اش را تغییر دهد.

افناع اندیشه

بدیهی است برای تحقق هر کاری علاوه بر وجود اسباب، نبود مانع نیز لازم و ضروری است. برای مثال رویش بذر سالم در دل خاک مرطوب مشروط به نبود آفتاب سوزان و سرمای شدید است تا بذر بتواند استعداد خود را شکوفا کرده و رشد کند.

آیا دانش آموز درس نخوانده، دعا بکند قبول می شود؟ می گویند: دانش آموزی به خانه آمد و وارد اتاق جلویی شد و مشغول دعا شد. به خدا گفت: پروردگارا! کوه هیمالیا را در

۱. الوافی، ج ۹، ص ۱۵۳۵، ح ۸۷۱۲ و الوسائل، ج ۷، ص ۱۲۳، ح ۸۹۰۷.

۲. کافی (ط - دار الحديث)، ج ۴، ص ۳۹۳.

استرالیا قرار بده و دریاچه ارومیه را در نیشابور. مادرش گفت: این چه دعایی است که می‌کنی؟! گفت: من در امتحان جغرافیا پاسخ سؤالات را اشتباه نوشته‌ام، حالا به خدا می‌گویم کوه و دریا را جابه‌جا کند تا من نمره بیاورم!

آیا زمان دعا و شرایط دیگر را در نظر گرفته‌ایم؟ در اسلام زمان‌هایی برای دعا سفارش شده است، از جمله: شب‌های جمعه، سحرها، بعد از نماز، غروب جمعه، بعد از خطبه‌های نماز جمعه، هنگام نزول باران و جاری شدن اشک و...

اگر به جای بنزین مخصوص، گازوئیل یا آب در باک هواپیما بریزیم، پرواز صورت نمی‌گیرد، اگر مانع یا موانعی بر سر راه اجابت دعا است باید دانست آن موانع کدامند.

عدم شناخت نسبت به حضرت باری تعالی و سوء ظن به او، یکی از موانع مهم استجابت دعاست. امام صادق (علیه السلام) در پاسخ گروهی که پرسیدند: چرا دعا‌های ما مستجاب نمی‌شود، فرمودند: «چون کسی را می‌خوانید که او را نمی‌شناسید.»^۱

او در قرآن فرمود: «ادعونی استجب لکم»؛ مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را. (غافر/۶۰)

انسان تا کسی را نشناسد او را نمی‌خواند؛ به عنوان مثال، اگر من ندانم که فلانی فرد سخاوتمندی است و می‌تواند فان مبلغی را به من بدهد، هرگز پیش او نمی‌روم، ولی وقتی آن فرد را به عنوان فرد کریمی شناختم و دانستم این عمل خیر را در حق من انجام

۱. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۶۸.

می‌دهد، آن وقت است که به در خانه‌اش رفته و از او طلب حاجت می‌کنم.

در مورد خداوند متعال هم همینطور است. وقتی خدا را با کمالاتی چون قادر، عظیم، کریم، غفار، وهاب، عزیز و ... شناختیم، به او علاقه‌مند شده و هر روز، بلکه هر شب حاجاتمان را به درگاه او عرضه می‌داریم، پس، مرا بخوانید؛ یعنی منی را که می‌شناسید بخوانید.

پرورش احساس

اگر کسی با شناخت درست خدا را نخواند، دچار سوء ظن به خدا می‌شود. این خصلت طبق آیات قرآن بسیار مذمت شده است. خداوند در آیه ۶ سوره فتح می‌فرماید:

«وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ
بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَ
أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا.»

و نیز مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می‌برند مجازات کند، حوادث سوئی (که برای مؤمنان انتظار می‌کشند) تنها بر خودشان نازل می‌شود، خداوند نسبت به آنها غضب کرده، و آنها را از رحمت خود دور ساخته، و جهنم را برای آنها آماده کرده، و چه بد سرانجامی است.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «خداوند را با حال یقین به اجابت بخوانید.»^۱ و نیز در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند: «چون

دعا کنی چنین خیال کن که حاجتت بر در خانه است.^۱
 به یادداشت‌های روزانه یک رزمنده اصفهانی دقت کنید؛ او با
 هم‌رزمانش ۱۷ روز بدون غذا و با دست زخمی که کرم زده بود، در
 دره‌ای گیر افتاده بوده:

... وقتی در گوشه‌ای به فکر فرو رفته و به سرنوشت خودمان
 در دو سه روز آینده فکر می‌کردم، به این نتیجه رسیدم که اگر
 دست روی دست بگذاریم، شاهد مرگ یکدیگر، آن هم با وضعی
 دلخراش خواهیم بود.

... در این چند روز سعی می‌کردم آن‌ها را به خواندن دعا و
 زمزمه کردن اذکار ترغیب کنم، زیرا تجربه کرده بودم که دعا علاوه
 بر آثار وضعیش، دارای نتایج سودمند طبیعی نیز هست که باعث
 تقویت روحیه و پایداری و امیدواری می‌شود. نمازها در این روزها،
 اغلب با ضجه و اشک همراه بود. حسین و ماشاءالله بعد از اتمام
 هر نماز، صورت بر خاک گذارده و بشدت می‌گریستند و از درگاه
 خدا استمداد می‌کردند. ۱۳۶۲/۵/۱۱

صبح روز نهم، در داخل زخم دستم، درد و سوزش شدیدی را
 احساس کردم. از حسین خواستم که روی زخم را باز کند و بعد
 از آن که او پارچه آغشته به چرک را برداشت، ناگهان دیدم که در
 داخل زخم، تعداد بی‌شماری کرم کوچک سفید رنگ لول می‌زنند.
 به زودی دریافتم که بالاخره تخم مگس‌ها، کار خود را کرده و
 مقداری از آن‌ها از روزنه‌های پارچه رد شده و در سطح زخم، به

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۷۳، باب الیقین فی الدعاء.

کرم تبدیل شده است. کرم‌ها در محیط مناسب زخم، در چرک و خون می‌غلطیدند و از آن تغذیه می‌کردند. تعداد کرم‌ها آن قدر زیاد بود که قادر به خارج کردن آن‌ها از زخم نبودیم. منظره وحشتناک و مشمئزکننده‌ای بود حسین و ماشاءالله بلافاصله به کمک آمدند و با استفاده از چوب‌های باریک به شکار کرم‌ها پرداختند. خود من نیز با کمک دست چیم قسمتی از کار را به عهده گرفتم. پس از آن که ظاهر زخم، از وجود کرم‌ها پاک شد، از حسین و ماشاءالله تشکر کرده و از خدا خواستم فرصتی را به من عنایت کند که از خجالت این دو برادر به در آمده و زحماتشان را جبران کنم به هر ترتیب آن روز هم گذشت و شب فرا رسید.

طبق معمول هر شب، من و حسین در داخل گودال خوابیده بودیم و ماشاءالله نیز در بیرون از بیشه بین سنگ‌ها استراحت می‌کرد. یکی دو ساعت از خوابیدن ما گذشته بود و از شدت سرما به خواب نمی‌رفتیم. در همین لحظات ناگهان متوجه شدیم که عراقی‌ها بدون هیچ مناسبتی به شلیک یک منور بر فراز بیشه اقدام کردند. منور مدتی فضا را روشن کرد و باد آن را به سمت ما آورد و پس از آن که به خاموشی گرایید، نزدیکی ما، در آن طرف آب بر زمین افتاد. به حسین گفتم: «کار خدا را ببین! همان طور که در میان این همه درخت‌های جور واجور که حتی یکی از آن‌ها میوه‌دار و خوراکی نیست، یک درخت مو را برای تغذیه ما آماده فرموده، اکنون نیز که پارچه ما برای پانسمن تمام شد، این منور را فرستاد تا از چتر آن برای پانسمن استفاده کنیم.» حسین که

تازه متوجه منظور من شده بود، نیم خیز شد و با خوشحالی گفت: «پس من می‌روم چتر را بیاورم.» گفتیم: «نه. حالا هوا تاریک است، تازه منور آن طرف آب افتاد. بهتر است تا فردا صبح صبر کنیم.»
۱۳۶۲/۵/۱۲

رفتار سازی

آثار این بحث در همین شب‌های قدر خودش را نشان می‌دهد. کسانی که شب قدر می‌آیند، یا کاملاً حسن ظن دارند یا آمده‌اند که از قافله جا نمانند و گرنه امیدی ندارند به استجابت دعایشان.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: در کتاب علی علیه السلام دیدم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر روی منبر می‌فرمایند:

«وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ...»

قسم به کسی که جز او خدایی نیست، خیر دنیا و آخرت به مؤمنی عطا نشد مگر بواسطه چهار چیز؛

۱ - حسن ظن نسبت به خدا؛

۲ - امیدوار بودن به رحمت او؛

۳ - خوش اخلاقی؛

۴ - اجتناب از غیبت مؤمنین؛

و قسم به کسی که جز او خدایی نیست، خداوند هیچ مؤمنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی‌کند مگر به واسطه چهار چیز؛

۱ - سوء ظن نسبت به خدا؛

۲ - ناامیدی و یأس از رحمت بی کران او؛

۳ - بد اخلاقی؛

۴ - غیبت مؤمنین؛

و قسم به خدایی که جز او معبودی نیست، هیچ مؤمنی به خدا حسن ظن نمی‌ورزد، مگر این که خداوند در نزد آن حسن ظن است؛ یعنی، با او مطابق همان حسن ظن برخورد می‌نماید، چرا که او کریمی است که تمام خوبی‌ها به دست اوست و شرم دارد از اینکه بنده‌ای به او حسن ظن داشته باشد و او خلاف آن ظن با او معامله نماید و امیدش را ناامید گرداند. پس به خداوند و رحمت او امیدوار و راغب باشید.^۱

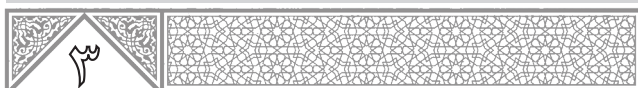
روضه

ما هم امشب با سوز دل دعا می‌کنیم؛ همه روزه‌دار بوده‌اند؛ شب زنده‌دار بوده‌اند؛ الهی امید هیچ کسی ناامید نشود! بگذارید امشب از کسی بگویم که امید داشت خدمتی به امام زمانش بکند. بعضی‌ها که اهل روضه‌اند متوجه شدند. یا باب الحوائج یا ابوالفضل العباس! آی کسانی که تا مشکلی برایشان پیش می‌آید، صدا می‌زنند: یا ابوالفضل العباس! یا قمر بنی هاشم!

چه طور امید عباس به ناامیدی تبدیل شد؛ آن لحظه‌ای که نگران بود نکند تیر به مشک آب بخورد، نکند مشک پاره شود. گویا عرضه می‌دارد:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳۰.

خدایا! هر چه تیر هست به بدن من اصابت کند، اما به مشک آب نخورد. انگار صدای العطش بچه‌ها را می‌شنود: فَسَمِعَ الْإِطْفَالَ يَتَصَارَّخُونَ مِنَ الْعَطَشِ.^۱ انگار صدای سکینه می‌آید؛ به بچه‌ها می‌گوید: بچه‌ها! ناراحت نباشید! اینقدر ناله نکنید. عموم برای همه‌تان آب می‌آورد؛ عموم شجاع است؛ عموم قدرتش زیادست. عباس عرضه می‌دارد: ای خدا! هر چه زودتر مرا به خیمه برسان، اما امان از آن لحظه که تیر به مشک آب خورد. آب‌ها روی زمین ریخت. عباس دیگر ناامید شد. با دست خالی کجا بروم؟ همان آقایی که تا چند لحظه قبل گویا صدا می‌زد: ای خدا! مرا به خیمه برسان، حالا دیگر صدا می‌زند: خدایا! کار عباس را همین جا تمام کن، دیگر روی رفتن به خیمه را ندارم. اینجا بود که ملعونی چنان با عمود آهنین به فرق مبارکش زد... آیا بگویم چه شد؟ فَسُقِطَ عَلَى الْأَرْضِ يُنَادِي عَلَيْكَ مَنِّي السَّلَامُ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ...^۱



ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) و پاسخ به شبهات

انگیزه سازی

تبلیغات مسموم زیادی علیه شیعیان شده بود، از اینکه مادرم شیعه است احساس بسیار بدی داشتم و برایم کسر شأن بود. با تشویق پدرم در دوران راهنمایی، در کنار درس های مدرسه، تحصیل دروس حوزوی را هم شروع کردم و ادامه دادم. بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد مکی رفتم و پس از مولوی شدن، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب چهار ماه به رایوند پاکستان رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم. در پاکستان به طور تخصصی در ۲۰ جلسه یاد می دادند که چگونه فردی را در عرض ۵ دقیقه به وهابیت جذب کنیم.

در کرمانشاه یک دوست شیعه پیدا کردم به نام مهدی رضایی. فردی بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد و با اعتقاد بود. همیشه سر به سرش می‌گذاشتم و می‌گفتم: حیف نیست تو با این اخلاقت شیعه باشی؟ از این دوستی ما ۴ سال گذشت و او مکرر به من می‌گفت: بیا حداقل یک بار در روضه سیدالشهدا (علیه السلام) شرکت کن. من هم که دارای ریش بلند و تیپ و قیافه مولوی‌های وهابی بودم، خیلی سختم بود. به او گفتم: این کفریات چیست؟ می‌گفت: حالا یک دفعه بیا از نزدیک ببین. با اصرار زیاد، من را متقاعد کرد که یک بار به مجلس روضه بروم.

یک شب عاشورا با دوستم به مجلس روضه امام حسین (علیه السلام) رفتم و با خشم گوشه‌ای نشستیم. دیدم سید بزرگواری منبر رفت و حین صحبت‌هایش گفت: کدام یک از شما حاضرید به خاطر خدا و اسلام جانتان را بدهید و بعدش هم مطمئن باشید زن و بچه‌تان به اسارت می‌روند؟ در آن زمان سیدالشهدا (علیه السلام) چه دید که حاضر شد، جان‌ش گرفته شود و اهل و اولادش به اسارت روند؟ چرا امام حسین (علیه السلام) دست به چنین کار بزرگی زد؟ هر چه فکر کردم دیدم که در میان شخصیت‌های محبوب من، شخصیتی مثل امام حسین (علیه السلام) پیدا نمی‌شود که حاضر باشد به خاطر اسلام، دست به چنین کار بزرگ و خطرناکی بزند! این سؤال مهمی بود که برایم ایجاد شد. خیلی برای امام حسین (علیه السلام) و شخصیت ایشان ناراحت شدم که چرا هیچ کس امام حسین (علیه السلام) را درک و ایشان را همراهی نکرد. آن شب چراغ‌ها را خاموش کردند و مشغول سینه زنی شدند، ولی من

سینه نزد؛ نشستم و برای مظلومیت سیدالشهدا (علیه السلام) گریه کردم. آن گریه واقعا گریه خاصی بود؛ یک لطف بود. آن شب به قدری گریه کردم که تمام لباسم خیس شد.

از بچگی به ما گفته بودند که شیعیان سفسطه می کنند و ناحق را حق جلوه می دهند. از شیعه فراری بودم. حاضر بودم شیطان پرست شوم؛ اما شیعه نشوم. به همین خاطر همه مذاهب اهل سنت از حنفی گرفته تا حنبلی و مالکی و شافعی را مورد مطالعه جدی قرار دادم. ۴ سال طول کشید تا من همه را بررسی کنم.

خیلی با احتیاط فرقه های شیعه را بررسی کردم تا اینکه برای شناخت بهتر شیعه دوازده امامی، راهی قم شدم. به دفتر آیت الله بهجت رضوان الله تعالی علیه رفتم و سؤالات و شبهاتی که داشتم از آنجا پرسیدم. آن ها هم با صبر و حوصله و محبت بسیار به من پاسخ دادند. از آنان خواستم کتابی به من معرفی کنند تا درباره شیعه بیشتر تحقیق کنم.

آن ها کتاب المراجعات و شب های پیشاور را به من معرفی کردند. مطالب آن دو کتاب را که می خواندم، فوراً مراجعه می کردم به کتاب های اهل سنت یا به نرم افزار المکتبه الشامله و با کمال تعجب می دیدم مثل اینکه این روایات، واقعیت دارد. برای من سؤال پیش آمده بود که چرا این همه سال، این روایات دور از چشم ما بوده و ما ندیدیم؟ و اگر هم مواردی از این دست می دیدیم و از علما می پرسیدیم، خیلی راحت از کنار این ها می گذشتند و یا توجیه می کردند.

سلمان حدادی يك مولوی وهابی بود؛ کسی که خودش می گوید

بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ فرد سنی مذهب را وهابی کرده است، اما وقتی شبهات ذهنی‌اش پاسخ داده شد، به جمع شیعیان پیوست. از آن طرف هم گاهی یک شیعه به خاطر یک شبهه به مسیر انحراف کشیده می‌شود.

افناع اندیشه

این عدم شناخت ممکن است خدای ناکرده باعث گمراهی ما شود، همان طور که روز به روز عده‌ای را به ضلالت می‌کشاند. چرا به فکر نیستیم؟ بنگریم و بینیم چقدر به عنوان شیعه، امام علی علیه السلام را می‌شناسیم؟

کافیست یک شیعه با اهل سنت پیرامون واقعه غدیر وارد بحث شود؛ از اولین چیزهایی که اهل سنت بحث می‌کنند این است که مولا در من کنت مولی به معنای دوست است. برخی شیعیان به دلیل ضعف اطلاعات نمی‌توانند جواب دهند؛ در حالیکه اگر اطلاع کافی داشتند به راحتی می‌توانستند بی‌منطق و غیر عقلانی بودن این مسأله را اثبات کنند؛ مثلاً فقط با یک آیه از قرآن که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدای خطبه غدیر آن را قرائت فرمودند، می‌توان حقانیت امیر المؤمنین علیه السلام را ثابت کرد:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الکافرين.» (مائده/ ۶۷)

در این آیه نکاتی وجود دارد:

(۱) در این آیه به جای «یا ایها النبی» تعبیر «یا ایها الرسول» آمده که نشانه یک رسالت مهم است.

(۲) به جای فرمان «ابلاغ» فرمان «بلغ» آمده که نشانه ابلاغ قطعی و رسمی و مهم است.

(۳) پیامبر نسبت به نرساندن یک پیام تهدید شده که اگر نگوید همه زحماتش به هدر می‌رود.

(۴) انتخاب رهبر اسلامی (امام معصوم) باید از سوی خداوند باشد. «بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ».

(۵) گاهی ابلاغ پیام الهی باید در حضور مردم و مراسم عمومی و با بیعت گرفتن باشد، ابلاغ ولایت با سخن کافی نیست، بلکه باید با عمل باشد. «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ» به جای «ان لم تبلغ».

(۶) احکام و پیام‌های الهی، همه در یک سطح نیست؛ گاهی کتمان یک حقیقت، با کتمان تمام حقایق برابر است. «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ».

(۷) انکار ولایت، نوعی کفر است. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۱

نکات این آیه شریفه و ۱۱ جلد کتاب الغدير علامه امینی رضوان الله تعالی علیه دلایل محکمی هستند بر حقانیت خطبه غدیر در اثبات خلافت بلا فصل مولا امیر المؤمنین (علیه السلام).

پرورش احساس

هنگامی که رسول خدا ﷺ علی را در روز "غدير خم" به خلافت منصوب فرمود و درباره او گفت: «من كنت مولاه فعلي مولاه» هر کس من مولی و ولی او هستم علی مولی و ولی او است، چیزی نگذشت که این مسأله در بلاد و شهرها منتشر شد. "نعمان بن حارث فهری" خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: تو به ما دستور دادی شهادت به یگانگی خدا و اینکه تو فرستاده او هستی دهیم، ما هم شهادت دادیم؛ سپس دستور به جهاد و حج و روزه و نماز و زکات دادی، ما همه این ها را نیز پذیرفتیم، اما با اینها راضی نشدی تا اینکه این جوان (اشاره به علی است) را به جانشینی خود منصوب کردی، و گفתי: من كنت مولاه فعلي مولاه، آیا این سخنی است از ناحیه خودت یا از سوی خدا؟! پیامبر ﷺ فرمود: قسم به خدا! این از ناحیه خدا است.

"نعمان" روی برگرداند در حالی که می گفت «اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حَجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ»: خداوندا! اگر این سخن حق است و از ناحیه تو، سنگی از آسمان بر ما بباران! اینجا بود که سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و او را کشت، همین جا آیه «سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»^۱ نازل گشت. آنچه در بالا گفتیم مضمون عبارتی است که در "مجمع البیان" از "ابوالقاسم حسکانی" با سلسله سندش از "امام صادق علیه السلام" نقل شده است. همین مضمون را بسیاری از مفسران اهل سنت، و

روایت حدیث با مختصری تفاوت نقل کرده‌اند.^۱

رفتار سازی

سعی کنیم ما هم نسبت به مطالعه درباره حقانیت ولایت و دفاع از اهل بیت در هر جمع و موقعیتی که هستیم کوتاهی نکنیم. یک دکتر شیعه می‌گفت: دوستی داشتم که اهل سنت بود. روزی ایشان را به شهر خود دعوت کردم و ایشان چند روزی مهمان ما بود. در این مدت با هم در مورد اختلافات اعتقادی بحث کردیم. یکی از مسائلی که مورد بحث قرار گرفت و بالاخره مجاب هم نشد، همین بود که او ادعا می‌کرد مولا در من کنت مولا به معنای دوستی است. بعد از چند روز دوستم از من خدا حافظی کرد و به سمت شهر خود راه افتاد. ساعاتی بعد با او تماس گرفتم و گفتم همین الان برگرد شهر ما؛ با تو کاری دارم. او می‌گفت چه شده؟ من خیلی از شهر شما دور شده‌ام و نزدیک شهر خودمان هستم. خلاصه اصرار کردم که برگردد و آمد. تا آمد گفتم: چه شده که مرا بازگرداندی؟ گفتم: کار خاصی ندارم! فقط خواستم عرض کنم: من و تو با هم دوست هستیم و من خیلی تو را دوست دارم. دوستم با کمی دلخوری و عصبانیت گفت: همین! مرد حسابی مرا از کیلومترها و ساعت‌ها دورتر به اینجا برگردانده‌ای که فقط بگویی دوستت دارم؟ خوب که گلایه‌هایش را بر سرم خالی کرد، گفتم: تو که این کار مرا مسخره می‌دانی، چطور این کار را به پیامبر ﷺ

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۹.

نسبت می‌دهی؟ در تاریخ ثبت شده که روز غدیر عده‌ای جلوتر از کاروان پیامبر ﷺ بودند و حضرت دستور دادند جهت استماع خطبه غدیر برگردند و به جمعیت غدیر خم ملحق شوند. حال به نظر تو درست است و با عقل جور در می‌آید که پیامبر ﷺ این همه انسان را در گرما ننگه دارد و بعد به آن‌ها که جلوتر بودند پیغام برساند برگردند تا فقط بگویند علی دوست من است؟ این توهین به پیامبر ﷺ نیست؟ چطور تو از این کار من دلخور شدی، بعد همین کار را به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهی؟ آیا بیان دوستی با امام علی علیه السلام نیازمند آن است که پیامبر ﷺ از زن و مرد برای آن پیمان و عهد بگیرد؟ آیا مردم نمی‌دانستند علی علیه السلام دوست پیامبر ﷺ است که نیاز باشد حضرت در آن گرمای طاقت فرسا آن‌ها را جمع کند؟ عقل نمی‌پذیرد که پیامبر ﷺ این همه مردم را سختی بدهد برای این که بگویند علی دوست من است. آیا هر ناظر بی‌طرفی از این تعبیر نمی‌فهمد که در اینجا مسأله رهبری مطرح است؟^۱

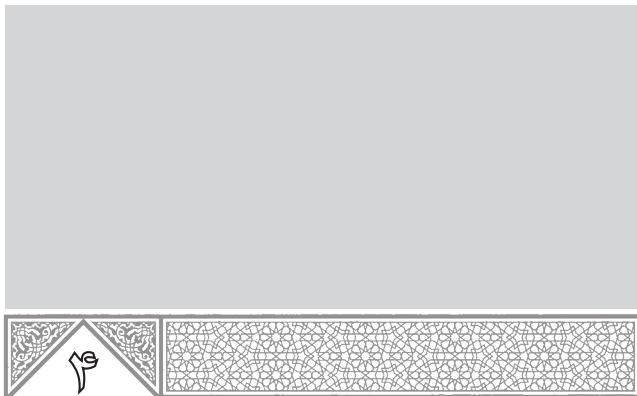
گاهی به همین سادگی می‌توان از حق اهل بیت علیهم السلام دفاع کرد.

روضة

دفاع از ولایت را باید از مادر سادات حضرت زهرا علیها السلام آموخت که نه تنها جاننش را سپر بلای امامش کرد، بلکه از قبرش هم برای دفاع جاودانه از حقانیت علی علیه السلام استفاده کرد. دل مولا آتش گرفت وقتی زهرايش وصیت کرد:

۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸.

«يَا عَلِيُّ أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوْجَنِي اللَّهُ مِنْكَ لَا كُؤْنَ لَكَ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ غَيْرِي حَنَّنِي وَعَسَّلَنِي وَكَفَّنِي
بِاللَّيْلِ وَصَلَّ عَلَيَّ وَادْفَنِي بِاللَّيْلِ وَلَا تُعْلِمَ أَحَدًا وَأَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ
وَأَقْرَأُ عَلَى وَلَدِي السَّلَامَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»^۱



معرفت به امام (ویژگی ائمه علیهم السلام : علم)

انگیزه‌سازی

ابو بصیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام به مردی از اهل آفریقا فرمود: راشد چطور است؟ آن مرد پاسخ داد: خوب بود، سلام به شما رسانده. امام فرمود خدا رحمتش کند. عرض کرد: مگر مرد؟ فرمود: آری. پرسید: کی؟

امام علیه السلام پاسخ داد: دو روز پس از حرکت تو. گفت: عجب! نه مرضی داشت و نه مبتلا به دردی بود. فرمود هر کس می‌میرد یا به مرضی دچار می‌شود و یا علتی دارد؟

من عرض کردم: آن مرد که بود؟ فرمود: یکی از دوستان و علاقمندان به ما بود. سپس فرمودند: شما خیال می‌کنید کسی نیست متوجه شما باشد و سخن شما را بشنود، بد خیالی کرده‌اید.

«وَاللّٰهُ لَا يَخْفَىٰ عَيْنِنَا شَيْءٌ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ فَاحْضَرُونَا جَمِيعاً وَعَوِّدُوا أَنْفُسَكُمْ الْخَيْرَ وَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ تُعَرَّفُوا فَإِنِّي بِهَذَا أَمْرٌ وُلْدِي وَشِيعَتِي.»^۱ بخدا قسم هیچ يك از اعمال شما از ما مخفی نیست، بدانید ما همیشه متوجه شما هستیم. سعی کنید خود را عادت دهید به کار خوب تا به همین امتیاز شناخته شوید؛ من فرزندان خود و شیعیانم را به این کار سفارش می‌کنم.

اقناع اندیشه

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که آیا ممکن است امام به اعمال کسانی که تاکنون ایشان را ملاقات نکرده‌اند، آگاه باشد؟ و از این مهم‌تر، میلیون‌ها شیعه در سراسر دنیا وجود دارند، مگر ممکن است یک نفر، به اعمال میلیون‌ها انسان در سراسر دنیا علم پیدا کند؟ آن چه باعث می‌شود این امر برای عده‌ای باورپذیر نباشد، اینست که آن‌ها امام را با خودشان که یک انسان عادی هستند، مقایسه می‌کنند؛ در صورتی که امام، انسان کامل و مظهر اسماء و صفات خدا در زمین است و یکی از این اوصاف علیم است. ائمه عالم به غیب آسمان‌ها و زمین هستند و خداوند این علم را به ایشان عطا کرده است، اما این علم از جنس علم ما که دارای محدودیت است، نیست.

علم امام با علم مردم عادی تفاوت دارد، در روایت دیگری آمده است:

۱. بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۴۴.

حضرت صادق (علیه السلام) به حمran بن اعین فرمود:

يَا حُمْرَانُ إِنَّ الدُّنْيَا عِنْدَ الْإِمَامِ وَالسَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ إِلَّا
هَكَذَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى رَاحَتِهِ يَعْرِفُ ظَاهِرَهَا وَبَاطِنَهَا وَدَاخِلَهَا وَ
خَارِجَهَا وَرَطْبَهَا وَيَابِسَهَا.^۱

حمران! دنیا و آسمان‌ها و زمین‌ها در نزد امام مانند اینست؛ به
کف دست خود اشاره کرد: ظاهر و باطن و داخل و خارج و ترو
خشک دنیا را می‌داند.

منظور از اینکه امام اعمال ما را می‌بیند، این نیست که امام
همانند مردم عادی با چشم سر خود امور را می‌بیند، بلکه او با
قلب و روحش به امور دنیا آگاهی می‌یابد؛ و منظور از این که
امام حاضر است، این نیست که او با جسم خود در جایی حاضر
می‌شود تا بعضی بگویند امکان ندارد جسم امام هم زمان در صدها
جا باشد. برای بعضی از ما هم اتفاق افتاده که در خواب تجربه‌ای
مشابه داشته‌ایم؛ یعنی، در عالم خواب در آن واحد حوادث جاری در
مکانهای مختلف را دیده‌ایم. امام صادق (علیه السلام) درباره احاطه علمشان
به دنیا فرموده‌اند:

«إِنَّ الدُّنْيَا تَمَثَّلُ لِلْإِمَامِ فِي مِثْلِ فَلَقَةِ الْجَوْزِ فَمَا يَعْرِضُ لَشَيْءٍ مِنْهَا
وَإِنَّهُ لَيَتَنَاوَلُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا كَمَا يَتَنَاوَلُ أَحَدُكُمْ مِنْ فَوْقِ مَائِدَتِهِ مَا
يَشَاءُ فَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِنْهَا شَيْءٌ.»^۲

دنیا مانند یک پوست گردو در مقابل امام مجسم شده؛ چیزی از

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۵، ص ۳۸۵، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

۲. الاختصاص، ص ۲۱۷ و بصائر الدرجات، ص ۲۱۷.

دنیا در نظر امام پوشیده نیست. او می‌تواند از هر جای دنیا آنچه را که بخواهد بگیرد، مثل شما که از سفره هر چه را می‌خواهید بر می‌دارید و از دست شما فاصله ندارد.

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَكْرٍ أَرَجَانِي نَقْلَ مِیْ كُنْد:

امام فرمود: «يَا ابْنَ بَكْرٍ إِنَّ قُلُوبَنَا غَيْرُ قُلُوبِ النَّاسِ» دل‌های ما غیر دل‌های مردم است؛ ما پاک و برگزیده هستیم؛ چیزهائی را می‌بینیم که مردم نمی‌بینند و چیزهائی را می‌شنویم که آنها نمی‌شنوند؛ ملائکه بر ما روی فرشهای مان نازل می‌شوند و حاضر و شاهد بر مردگان ما هستند؛ اخبار و پیش‌آمدهایی که اتفاق نیفتاده برای ما می‌آورند؛ با ما نماز می‌خوانند و برای ما دعا می‌کنند؛ بال‌های خود را به ما می‌مالند و فرزندانمان بر روی بال‌های آن‌ها حرکت می‌کنند.... هر شبی که می‌آید اخبار تمام زمین‌ها نزد ما است؛ آنچه پیش می‌آید و اخبار جنیان و اخبار هوا از ملائکه؛ هر پادشاهی در زمین می‌میرد و دیگری جانشین او می‌شود، خبرش را برای ما می‌آورند و چگونگی رفتار او را؛ خبر هر يك از شش زمین تا زمین هفتم برای ما آورده می‌شود.

گفتم: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَهَلْ يَرَى الْإِمَامُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؟

فدايت شوم! آيا امام بين مشرق و مغرب را می‌بيند؟

فرمود: پس چگونه می‌تواند حجت و امام باشد برای مشرق و مغرب، با اینکه آن‌ها را نبیند و حکم نکند در میان ایشان؟ و چگونه حجت خواهد بود بر مردمی که از دیده او پنهانند؛ نه او بر آن‌ها قدرت دارد و نه آن‌ها بر او؟ چگونه سفیر از جانب خدا

و شاهد و گواه بر خلق است با اینکه آن‌ها را نمی‌بینند؟ و چگونه حجت بر آن‌ها است با اینکه پنهان از نظر اویند و فاصله باشد بین آن‌ها و بین انجام مأموریت پروردگار میان آن‌ها؟ با اینکه خداوند می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ»^۱ منظور تمام مردم زمین هستند و حجت پس از پیامبر جانشین او خواهد بود.^۲

پرورش احساس

یکی از چیزهایی که ارزش عمل را از نظر کیفیت بالا می‌برد، معرفت است. چرا در باب زیارات اینقدر آمده است که مثلاً «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفاً بِحَقِّهِ...»؟ هر کسی که امام را زیارت کند به شرط اینکه او را بشناسد چنین و چنان است، چرا؟

زیرا اساس، شناخت است. اینکه بعضی از اشخاص شبهه می‌کنند که يك قطره اشك برای امام حسین مگر می‌تواند اینقدر ارزش داشته باشد، پاسخ این است که گاهی ممکن است انسان آنقدر برای امام حسین بگیرد که اگر اشك همه عمر را جمع کنند يك استخر بشود و هیچ ارزشی هم نداشته باشد. ولی يك انسان ممکن است به اندازه يك بال مگس برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ اشك بریزد که ارزشش از آن استخر اشك دیگری خیلی بیشتر باشد.^۳

از آیه الله بهجت نقل شده است که در منطقه «جاسب» قم،

۱. سبا / ۲۸.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۵، ص ۳۷۲.

۳. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۷، ص ۴۹۱.

گروهی از زائران امام هشتم علیه السلام هنگام مراجعت از مشهد به پیرمردی برخورد می‌کنند که در گرمای روز کوله باری از علف به دوش می‌کشد. جمعیت با شماتت و سرزنش می‌گویند: پیرمرد! زحمت دنیا را ول کن نیستی! بیا تو هم لا اقل يك بار به مشهد مقدس سفر کن! و این سخن را تکرار و او را بسیار توبیخ می‌کنند. پیرمرد خسته و پاك دل زبان می‌گشاید و می‌گوید: شما که به زیارت آقا رفتید و به آقا سلام دادید، جواب گرفتید یا نه؟ می‌گویند: پیرمرد! این چه سخنی است که می‌گویی! مگر آقا زنده است که سلام ما را جواب بدهد! پیرمرد می‌گوید: عزیزان! امام که زنده و مرده ندارد؛ ما را می‌بیند و سخنان ما را می‌شنود؛ زیارت که يك طرفه نمی‌شود. آنان می‌گویند: آیا تو این عرضه را داری؟ وی می‌گوید: آری! و از همان جا رو به سمت مشهد مقدس می‌کند و می‌گوید: «السلام عَلَیْكَ یا امام هشتم» و همه با کمال صراحت می‌شنوند که به آن پیرمرد به نام خطاب می‌شود که: «عَلَیْكُمْ السَّلام آقای فلانی» و بدین ترتیب زائران همگی خجالت کشیده، پشیمان می‌شوند که چرا سبب دلشکستگی این مرد نورانی را فراهم آوردند.^۱

اگر معرفت و شناخت ما نسبت به امام درست شد، زندگی ما عوض خواهد شد:

یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشید
 شاید که نگاهی کند آگاه نباشید

رفتار سازی

امام زمان علیه السلام در نامه ای به شیخ مفید چنین نوشتند:

«نَحْنُ وَإِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِينِ الظَّالِمِينَ
حَسَبَ الَّذِي أَرَانَاهُ اللَّهُ لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَلِشِيعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ
مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَبْنَائِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ
عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»^۱

«ما اگر چه مقیم هستیم در جای خودمان که دور از منازل
ستمگران است، بر طبق مصلحتی است که خداوند برای ما و برای
شیعیان مؤمن ما، مادامی که دولت فاسقین برقرار است، مقدر
فرموده. ما به اخبار شما مسلط هستیم و علم داریم و هیچ خبری از
شما برای ما پنهان نیست... ما شما را بی سرپرست رها نمی کنیم. و
یاد شما را فراموش نمی کنیم (به یاد شما هستیم)...

ما شیعیان خود را طوری عادت بدهیم که اعمالمان را (در
خلوت یا جلوت) در محضر امام زمان علیه السلام ببینیم و در مرحله بعد
نسبت به همسر و مخصوصا فرزندانمان احساس مسئولیت کرده و
به این امر متذکر شویم.

اگر از کودکی در بازی ها و تفریحات و درس خواندن و.... به
فرزندان خود فهمانیدیم که در محضر امام زمان هستی، دیگر نگران
نخواهیم بود نکند در ساعاتی که تنهاست خطا کند.

اگر این نگاه را در خودمان زنده کردیم، بسیاری از رذایل
اخلاقی را از خودمان دور خواهیم کرد. مانند شهید آوینی که

۱. قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۰۲. قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

همسرش نقل می‌کند: چند سال از انقلاب گذشته بود که مرتضی سیگارش را ترک کرد. دلیلی که برای این کار ذکر کرد این بود: آقا امام زمان علیه السلام در همه حال ناظر بر اعمال و رفتار ما هستند. در این صورت من چه طور می‌توانم در حضور ایشان سیگار بکشم؟ این گونه بود که دیگر هرگز لب به سیگار نزد.^۱

و در آخر سخن همه شما عزیزان را به روایتی از آقا رسول الله میهمان می‌کنم. حضرت در مورد این که شیعیان چه کسانی هستند، می‌فرمایند:

«إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ شِيعَنَا وَ اتَّبَعَ آثَارَنَا وَ افْتَدَى بِأَعْمَالِنَا.»^۲

همانا شیعه ما کسی است که دنبال ما بیاید، و از آثار ما پیروی کند، و به کردار ما اقتدا نماید.

روضه

اجازه بدهید آخر منبر سری به آقایی بزنیم که دل سوخته‌ترین شخص در این عالم است! کسی که خودش در زیارت ناحیه فرمود: «جد غریبم! لاندبنک صباحا و مساء و لأبکینن لک بدل الدموع دما؛ جد غریبم! صبح و شب برایت گریه می‌کنم.» اگر دیگران فقط محرم اشک می‌ریزند، امام زمان همیشه همه صحنه‌ها جلو چشمشان است.

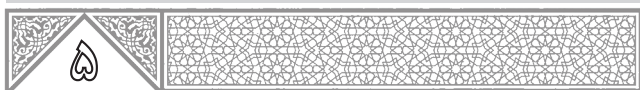
ببینید او چه می‌کشد... آن وقت می‌فرماید: به جای اشک، خون گریه می‌کنم.

۱. مرتضی آینه زندگی ام بود.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۵، ص ۱۵۴.

در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به جدشان این طور خطاب می‌کنند: «السلام علی الشیب الخضیب؛ جد غریبم! سلام بر محاسن خونینت» «السَّلامُ عَلَى الْخَدِّ الثَّرِيبِ.» آخرین جمله، «السلام علی الرأس المرفوع.»^۱

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۸، ص ۲۳۶.



امام زمان علیه السلام و شب قدر

انگیزه‌سازی

مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، نقل می‌کرد: مدتی در شهر سامراء نزد آیت الله میرزای شیرازی درس می‌خواندیم. روزی در وسط درس، آیت الله سید محمد فشارکی وارد شد؛ در حالی که بسیار مضطرب و نگران بود. علت نگرانش این بود که بیماری مسری وبا در عراق شیوع یافته بود و بسیاری از مردم را کشته بود. آقا سید محمد فشارکی فرمود: آیا شما مرا مجتهد می‌دانید؟ گفتیم: آری. فرمود: آیا مرا عادل می‌دانید؟ گفتیم: آری (منظور او این بود که پس از تأیید، حکمی صادر کند). آن‌گاه گفت: من به تمام شیعیان سامره از زن و مرد حکم می‌کنم که هر يك از آنها يك بار زیارت عاشورا

را به نیابت از مادر امام زمان علیه السلام بخوانند، و آن مادر بزرگوار را در نزد فرزند بزرگوارش شفیع قرار دهند که امام زمان علیه السلام پیش خدای بزرگ از ما شفاعت نماید تا خداوند شیعیان سامراء را از بیماری و با حفظ گرداند. مرحوم آیت الله حائری می گوید: وقتی که این حکم از مرحوم آیت الله سید محمد فشارکی صادر شد، چون خطر مرگ در میان بود، همه شیعیان اطاعت نمودند و در نتیجه، یک نفر شیعه در سامراء تلف نگردید و خداوند متعال شیعیان را از این بلای عمومی نجات بخشید.^۱

عزیزان! این است نتیجه توسل به امام زمان علیه السلام که هر گره کوری را باز می کند؛ مخصوصا امشب که تعلق ویژه ای به امام زمان علیه السلام دارد.

اقناع اندیشه

قرآن می فرماید: «تنزل الملائكة والروح فيها بإذن ربهم من كل أمر سلام هي حتى مطلع الفجر.» (قدر/ ۴ و ۵)

یعنی در شب قدر تمام ملائک و روح بر روی زمین نازل می شوند. سؤال اینجاست که فرشتگان بر چه کسی فرود می آیند؟ این همه فرشته ای که در شب قدر روی زمین می آیند نزد چه کسی می روند؟ اکنون که دیگر نزول قرآنی وجود ندارد که ملائکه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شوند، پس در شب قدر ملائکه برای چه کاری و بر چه کسی نازل می شوند؟ سنی و شیعه به اتفاق می گویند: شب

۱. داستان صاحب دلائل، محمد محمدی اشتهدادی.

قدر برای يك سال به خصوص نیست؛ هر سال يك شب قدر دارد. با توجه به اینکه «تنزل» فعل مضارع است، و دلالت بر استمرار دارد (در اصل «تتنزل» بوده) روشن می شود که شب قدر مخصوص به زمان پیغمبر اکرم ﷺ و نزول قرآن مجید نبوده، بلکه امری است مستمر و شبی است مداوم که همه ساله تکرار می شود.^۱

خوب، فرشته ها کجا می روند؟ روایات متواتر است که زمان پیغمبر فرشته ها خدمت پیغمبر می رسیدند، و چون هر سال شب قدر است و زمان پیغمبر ﷺ هر سال فرشته ها خدمت ایشان می رسیدند، الآن هم باید يك کسی باشد مثل پیغمبر ﷺ، که لیاقت داشته باشد فرشته ها خدمت او برسند. باید کسی باشد تمام کمالات پیغمبر ﷺ را داشته باشد.^۲ (غیر از خاتمیت)

هم چنان که زمان پیغمبر ﷺ خدمت پیغمبر می رسیدند، در زمان ما هم خدمت حضرت مهدی ﷺ می رسند. روایات ما در این باب بسیار زیاد است؛ از جمله علی بن ابراهیم قمی در تفسیری درباره نزول فرشتگان و روح در شب قدر می گوید: فرشتگان و روح القدس، در شب قدر، بر امام زمان ﷺ نازل می شوند و آنچه را از مقدرات سالانه بشر نوشته اند، به او تقدیم می دارند.

همین محدث مورد وثوق از حضرت امام باقر ﷺ نقل کرده که وقتی از حضرتش پرسیدند: آیا شما می دانید که لیلۃ القدر کدام شب است؟ حضرت فرمودند: چگونه ندانیم و حال آن که در شب

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۸۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

قدر فرشتگان بر گرد ما طواف می‌کنند.^۱

همچنین در روایتی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که علی علیه السلام به ابن عباس فرمود: شب قدر در هر سال است و در آن، کاریک سال نازل می‌شود، برای آن کار بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمایندگانی هست، گفتیم: آن‌ها کدام هستند؟ فرمود: من و یازده فرزندم از صلب من همه امامان محدثند.^۲

بنابراین شب قدر، شب نزول تمامی ملائکه به محضر حضرت صاحب‌العصر و الزمان علیه السلام است؛ یعنی شبی است که وجود مقدس امام عصر، تمام موجودات را تحت اشراف مخصوص قرار می‌دهند، حضرت حجت علیه السلام همه کاره عالم هستند، خلیفه تام الاختیار خداوند متعال روی زمین هستند، نه تنها تقدیر سال به امضای حضرت است؛ بلکه تنها کسی که تغیر تقدیر در طول سال به اراده اوست، ایشان است.

تحریک احساس

حضرت آیت الله حسینی تهرانی در کتاب معادشناسی از قول یکی از اعظم نجف نقل می‌فرماید:

ما از نجف اشرف عیال اختیار کردیم و سپس در فصل تابستان برای زیارت و ملاقات ارحام عازم ایران شدیم و پس از زیارت حضرت ثامن الائمه علیه السلام عازم وطن خود که شهری است در نزدیکی‌های مشهد گردیدیم. آب و هوای آن جا به عیال ما نساخت

۱. تفسیر القمی، ص ۷۳۱ و علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۴، جز ۲۳.

۲. اصول کافی، کتاب الحجه، باب فی شان انا انزلناه فی ليله القدر.

و مریض شد و روز به روز مرضش شدت پیدا کرد و هر چه معالجه کردیم، سودمند واقع نشد و در آستانه مرگ قرار گرفت. من در بالین او بودم. بسیار پریشان بودم، دیدم عیالم در این وقت فوت می‌کند و من باید تنها به نجف برگردم و در نزد پدر و مادرش خجل و شرمندۀ گردم و آن‌ها بگویند: دختر نوعروس ما را برد و در آن جا دفن کرد و خودش برگشت.

حال اضطراب و تشویش عجیبی در من پیدا شد. فوراً آمدم در اتاق مجاور ایستادم و دو رکعت نماز خواندم و توسّل به حضرت امام زمان علیه السلام پیدا کردم و عرض کردم: یا ولی الله! همسر من را شفا دهید که این امر از دست شما ساخته است و با نهایت تصرّع و التجاء متوسّل شدم. سپس به اتاق عیالم آمدم. دیدم نشسته و مشغول گریه کردن است. تا چشمش به من افتاد، گفت: چرا مانع شدی؟ چرا نگذاشتی؟ من متوجّه نشدم چه می‌گوید و تصوّر کردم که حالش بد است. بعد که قدری آب به او دادیم و غذا به دهانش گذاردیم قضیه خود را برای من نقل کرد و گفت:

جناب عزرائیل علیه السلام برای قبض روح من با لباسی سفید آمد و بسیار زیبا و آراسته بود. به من لبخندی زد و گفت: حاضر به آمدن هستی؟ گفتم: آری! بعداً امیر المؤمنین علیه السلام تشریف آوردند و با من بسیار ملاطفت و مهربانی نمودند و به من فرمودند: من می‌خواهم بروم نجف. می‌خواهی با هم به نجف برویم؟ گفتم: بلی! خیلی دوست دارم با شما به نجف بیایم. من برخاستم. لباس خود را پوشیدم و آماده شدم که با آن حضرت به نجف اشرف برویم.

همین که خواستم با آن حضرت از اتاق خارج شوم، دیدم که آقا امام زمان علیه السلام آمدند و تو هم دامان امام زمان علیه السلام را گرفته‌ای. حضرت امام زمان علیه السلام به آقا امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: این بنده به ما متوسل شده، حاجتش را برآورید! حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سر مبارک را پایین انداخته و به جناب عزرائیل علیه السلام فرمودند: به تقاضای مرد مؤمن که متوسل به فرزند ما شده است برو تا موقع معین! و آن گاه امیرالمؤمنین علیه السلام از من خداحافظی کردند و رفتند. چرا نگذاشتی بروم؟^۱

در این شب عزیز از آقا بخواهیم که ما را دعا کنند و ایشان دعا می‌کند. سید بن طاووس رحمه الله می‌فرماید: در یک سحرگاه در سرداب مطهر از حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه این مناجات را شنیده‌ام که می‌فرماید: اللهم ان شیعتنا خلقت من شعاع انوارنا و بقية طینتنا و قد فعلوا ذنوبا کثیره... خدایا شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده‌ای، آن‌ها به اتکاء محبت به ما و ولایت ما گناهان زیادی مرتکب شده‌اند، اگر گناهان آن‌ها گناهی است که در ارتباط با تو است، از آن‌ها بگذر که ما را راضی کرده‌ای و آنچه از گناهان آن‌ها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آن‌ها را اصلاح کن و از خمسی که حق ما است به آن‌ها بده تا راضی شوند و آن‌ها را از آتش جهنم نجات بده و آن‌ها را با دشمنان ما در سخت خود جمع نفرما.^۲

۱. معادشناسی، ج ۱، صص ۲۵۸-۲۸۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

در این شب عزیز از پدر مهر بانمان بخواهیم برای ما دعا کند؛ دعا برای عاقبت به خیری. عاقبت به خیری خیلی مهم است؛ آن قدر مهم که حتی پیغمبر ﷺ برای عاقبت خودش دعا می کرده و می فرموده: «اللهم أحسن عاقبتنا فی الامور کلها»^۱ و وقتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام خبر شهادتشان را از پیامبر شنیدند، بلافاصله عرض کردند: «أفی سلامة من دینی؟»^۲ آیا عاقبت به خیر می شوم؟ وقتی حال این معصومان این گونه است، ما به طریق اولی باید نگران عاقبت خود باشیم. امشب این عاقبت را از صاحب همین شب بگیریم.

امشب همه محتاج دعای حضرت هستیم. وای به حال کسی که امشب از دعای حضرت محروم باشد. در روایت آمده است: حضرت رضا علیه السلام در جواب تاجری که درخواست کرده بود حضرت از پرداخت خمس معافش کنند، نوشتند: «وَلَا تَحْرَمُوا أَنْفُسَكُمْ دُعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ» با ندادن خمس خودتان را از دعای ما اهل بیت محروم نکنید.^۳

و وای به حال کسی که خدای نکرده مورد نفرین حضرت قرار بگیرد. شاید بفرمایید: مگر شیعیان حضرت هم مورد لعن ایشان قرار می گیرند؟

امام زمان علیه السلام در نامه ای که برای محمدبن عثمان (نایب دوم) فرستاد، نوشته بود: «بسم الله الرحمن الرحيم لعنت خدا و لعنت

۱. نهج الفصاحه، حدیث ۴۹۳.

۲. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۶۹.

۳. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۱، ص ۵۴۷.

فرشتگان و لعنت تمام مردم بر کسی که یک درهم بدون مجوز مال ما را بخورد.^۱

عزیزان! آیا مواظب هستیم حق امام زمان (عج) در مال ما نباشد؟
نگوییم ما آنقدر ثروت مند نیستیم که خمس به ما تعلق بگیرد.
خمس ربطی به وضع خوب و بد مالی ندارد، همه باید حساب مالی داشته باشند؛ هر سال یک حساب مالی و چه بهتر که این حساب و کتاب در شب قدر باشد.

شخصی از قم خدمت امام جواد (عج) رسید و عرض کرد: من متولی موقوفات قم هستم و ۱۰۰۰۰ درهم نزد من بود که خرج کرده‌ام، لطفا حلال کنید. امام جواد (عج) از این عمل انتقاد کرده و فرمودند: «چگونه اموال آل محمد و طبقه محروم را مصرف کرده و توقع دارند من آن را حلال کنم وَ اللَّهُ لَيَسْأَلَنَّهُمْ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْ ذَلِكَ سُؤالا حَثِيئاً».^۲

روضه

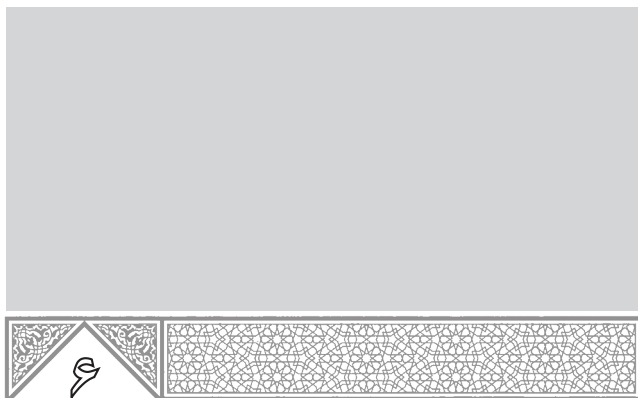
نکند مال امام زمان در اموال ما باشد و ما هم جزء کسانی باشیم که حق ایشان را غصب کردند. غصب اموال اهل بیت (ع) سابقه بدی دارد؛ این جریان از مدینه شروع شد. نکند ما هم جزء غاصبان حق ایشان باشیم.

«فَخَرَجَتْ وَ الْكِتَابُ مَعَهَا فَلَقِيَهَا عُمَرُ فَقَالَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ مَا هَذَا الْكِتَابُ الَّذِي مَعَكَ فَقَالَتْ كِتَابُ كَتَبَ لِي أَبُو بَكْرٍ بِرَدِّكَ

۱. وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۶۷۳.

۲. کافی، ج ۱، ص ۵۴۸.

فَقَالَ هَلُمَّيْهِ إِلَيَّ فَأَبَتْ أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَيْهِ فَرَفَسَهَا بِرِجْلِهِ وَكَانَتْ حَامِلَةً
بِابْنِ اسْمِهِ الْمُحْسَنُ فَأَسْقَطَتِ الْمُحْسَنَ مِنْ بَطْنِهَا ثُمَّ لَطَمَهَا فَكَأَنِّي
أَنْظُرُ إِلَى قُرْطٍ فِي أُذُنِهَا حِينَ نُقِفَتْ ثُمَّ أَخَذَ الْكِتَابَ فَخَرَقَهُ.^۱



حب اهل بیت علیهم السلام، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزندان

انگیزه سازی

اولین بار است که ابی عبدالله علیه السلام روزه گرفته، فاطمه علیها السلام دنبال رسول الله صلی الله علیه و آله فرستاد: پدر جان اولین بار است حسین روزه گرفته، افطار قدم رنجه کنید، خدمت شما باشیم.

همه کنار سفره افطار حسین جمع اند، وقت افطار که شد، آب مقابل حسین گذاشتند، وقتی خواست افطار کند، نگاهی به صورت جدش کرد، یا جدّا، به من چه می دهی افطار کنم؟ نگاهی به صورت قشنگ حسین کرد و فرمود: نصف عبادت های من برای آن هایی که تو را دوست دارند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حسین جان افطار کن.

: بابا جان به من چه می دهی افطار کنم؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نصف عبادت های من برای آن هایی

که تو را دوست دارند. (فردای قیامت به پرونده اعمال نگاه می‌کنی و عبادت‌های علی را می‌بینی)
 فاطمه علیها السلام فرمود: پسر من! افطار کن!
 : مادر! به من چه می‌دهی افطار کنم؟
 فرمود: نصف عبادت‌های من برای آن‌هایی که برای تو گریه می‌کنند، (ثواب یکی از آن نماز شب‌های نشسته حضرت زهرا علیها السلام برای همه ما بس است)
 امام حسن علیه السلام فرمود: برادر! افطار کن!
 : برادر شما به من چه می‌دهی؟
 فرمود: فردای قیامت خودم بر در بهشت می‌ایستم و يك محبانت را وارد بهشت می‌کنم، بعد از آن که همه آن‌ها وارد بهشت شدند، خودم وارد می‌شوم.^۱

افناع اندیشه

ابن عباس می‌گوید: چون پیغمبر صلی الله علیه و آله به مدینه آمد، حوادثی برای حضرت واقع می‌شد و حقوقی برگردنش می‌افتاد، ولی دستش تنگ بود. انصار گفتند: این مرد ما را به راه خدا هدایت کرده و اکنون با حوادثی که پیش می‌آید و حقوقی که برگردنش می‌افتد، تنگدست است. بیایید تا آنجا که خود فقیر نشویم مالی گرد آوریم و تقدیم کنیم تا دستگیرش باشد. این کار را کردند و مال جمع شده را نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله برده و گفتند: یا رسول الله! خدا به

۱. گلوآه‌های محرم مجمع‌الذاکرين، کبریت احمر مرحوم بیرجندی و نرم افزار هدایت در حکایت موضوع محبت.

دست تو ما را هدایت کرده، پس در نظر گرفتیم از اموال خود مبلغی جمع کرده و خدمتتان بیاوریم تا بدین وسیله کمک کرده باشیم. آیه نازل گردید:

«بگو من از شما مزد نمی‌خواهم، مگر دوستی خویشاوندان را.»
حال مزد رسالت پیامبر اسلام ﷺ چیست؟ پیامبر اسلام از مردم درخواست مزد مادی نداشت، ولی چندین مرتبه از طرف خداوند با کلمه «قُلْ» مأمور شد تا مزد معنوی را که به نفع خود مردم است، از مردم تقاضا کند. «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهُوَ لَكُمْ»^۱ این مزد معنوی نیز در دو تعبیر آمده است.

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذَا قَامَ الرَّسُوْلُ لِمَا مَنَعَكُمْ فَاَطِيعُوْهُ سَبِيْلًا. «(فرقان/ ۵۷)

و يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذَا قَامَ الرَّسُوْلُ لِمَا مَنَعَكُمْ فَاَطِيعُوْهُ سَبِيْلًا. «(فرقان/ ۵۷)

باکمی تأمل می‌فهمیم که باید راه خدا و مودّت اهل بیت یکی باشد، زیرا اگر دو تا باشد، تناقض است، یعنی نمی‌توان گفت: من فقط تابستان‌ها مطالعه می‌کنم و بار دیگر گفت: من فقط زمستان‌ها مطالعه می‌کنم. زیرا محصور باید یک چیز باشد.

از طرفی مودّت با دو چیز ملازم است: اول، شناخت و معرفت، زیرا تا انسان کسی را نشناسد، نمی‌تواند به او عشق بورزد. دوم اطاعت، زیرا مودّت بدون اطاعت نوعی تظاهر و ریاکاری است.

پس کسانی که دستورات خود را از غیر اهل بیت پیامبر ﷺ می‌گیرند، راه خدا را پیش نگرفته‌اند.^۱

پرورش احساس

در قرآن و روایات اسلامی اعم از شیعی و سنی بر مودّت و محبّت اهل بیت پیامبر ﷺ تأکید فراوان شده است؛ و این تنها بدان جهت نیست که آنان ذریه پیامبر و از نسل اویند، بلکه از آن جهت است که آنان دارای فضایل و کمالات، و به عبارت دیگر جامع همه صفات کمال و جمالند؛ به تعبیر دقیق تر، مظهر صفات جمال و جلال الهی‌اند.

زمخشری در کشاف حدیثی نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«من مات علی حب آل محمد مات شهیداً؛ الا و من مات علی حب آل محمد ﷺ مغفوراً؛ الا و من مات علی حب آل محمد مات تائباً؛ الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکمل الایمان؛ الا و من مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنة ثم منکر و نکیر؛ الا و من مات علی حب آل محمد یزف الی الجنة کما تزف العروس الی بیت زوجها؛ الا و من مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان الی الجنة؛ الا و من مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة؛ الا و من مات علی حب آل محمد مات علی السنة و الجماعة؛ الا و من مات علی بغض آل محمد جاء یوم القیامه مکتوب بین عینیہ آیس من رحمة الله الا

و من مات علی بغض آل محمد مات کافرا؛ الا و من مات علی بغض آل محمد لم یشم رائحة الجنة.^۱
پیامبر ﷺ فرمودند: در قیامت از سوی خدا به حضرت زهرا علیها السلام خطاب می‌شود:

ای فاطمه علیها السلام! از من بخواه تا به تو عطا کنم و آرزویت را بگو تا تو را خشنود سازم، آن حضرت گوید: پروردگارا! تو آرزوی من و بالاتر از آرزوی من هستی، از تو می‌خواهم که دوستدارانم و دوستداران فرزندانم را در آتش عذاب نکنی. در این هنگام خداوند به او وحی می‌کند: ای فاطمه علیها السلام! سوگند به عزت و جلالم و بلند مرتبه بودن جایگاهم، دو هزار سال قبل از آن که آسمان‌ها و زمین را خلق کنم، بر خود سوگند یاد کرده‌ام که دوستان و دوستان خاندانت را به آتش جهنم عذاب نکنم.^۲

در دنیا هم محبین اهل بیت علیهم السلام چیزی به نام بن بست ندارند، زیرا در بن بست‌ها و سختی‌ها اهل بیت علیهم السلام او را دستگیری می‌کنند. همسر شهید برونسی تعریف می‌کند: وضع حمل من نزدیک بود. عبدالحسین دوست داشت بچه در منزل خودمان به دنیا بیاید، رفت دنبال قابله. درد من زیاد شد، منتظر قابله بودم. قابله آمد، خانم موقر و سنگینی بود و دست سبکی داشت. بچه به راحتی به دنیا آمد. پیشنهاد داد اسمش را فاطمه بگذارید. مادرم چای و میوه آورد. نخورد و خداحافظی کرد و رفت.

۱. تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۲۰ و ۲۲۱ و تفسیر فخر رازی ج ۲۷، ص ۱۶۵ و ۱۶۶ و تفسیر

قرطبی ج ۸، ص ۵۸۴۳.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۵۳.

عبدالحسین ساعت سه نصف شب آمد. مادرم گفت: قابله را می‌آوری و می‌روی؟ نمی‌گویی شاید کاری با تو داشته باشیم؟ آمد بی‌چه را بغل کرد و مثل ابر بهاری گریه کرد. سال‌ها گذشت. بالاخره رازش را فاش کرد و گفت: آن روز من رفتم دنبال قابله، کاری پیش آمد. رفتم برای پخش اعلامیه، ساعت دو و نیم یادم آمد که برای چه کاری آمده بودم بیرون، آمدم خانه، آن خانم هرکه بود خودش آمده بود.^۱

شیخ سلیمان قندوزی که سنی حنفی است با سندی ارزشمند نقل می‌کند:

پیامبر ﷺ فرمودند: «معرفة ال محمد برائة من النار و حب ال محمد جواز علی الصراط و الولاية لآل محمد امان من العذاب.»^۲

رفتار سازی

حال که محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) اینقدر اهمیت دارد که داشتن آن سعادت و نداشتن آن، شقاوت را به دنبال دارد، باید کاری کنیم تا فردای قیامت حسرت نخوریم و مدیون خانواده خود نباشیم، چون زن و فرزند حقی بر گردن ما دارند و ما در برابر آنان مسئولیم و آن مسئولیت هدایت و تربیت است.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ.» (تحریم / ۸)

۱. خاکهای نرم کوشک، ص ۳۳.

۲. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۷۸.

طبق این آیه شریفه و فرمایشات اهل بیت علیهم السلام در ذیل این آیه، بر ما واجب است خود و خانواده را از آتش جهنم دور کنیم. قابل توجه است که تعبیر به «قوا» (نگاهدارید) اشاره به این است که اگر آن‌ها را به حال خود رها کنید، خواه ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می‌روند. شما هستید که باید آن‌ها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید. یکی از عوامل سقوط و انحراف توجه نداشتن به تأثیر محبت اهل بیت علیهم السلام در مسیر نجات خود و خانواده از آتش است. شاید بپرسید چگونه خود و خانواده را از خطرات و انحرافات حفظ کنیم؟ توجه شما را به این روایت جلب می‌کنم:

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به برخی از بچه‌ها نگاهی کردند و فرمودند: وای بر فرزندان آخر الزمان از دست پدرانشان. سؤال شد: یا رسول الله! از دست پدران کافرشان؟ حضرت فرمودند: خیر از دست پدران مؤمنشان که به فرزندان خود واجبات دینی را یاد نمی‌دهند و وقتی که فرزندان می‌خواهند چیزی از مسائل دین را یاد بگیرند، آن‌ها را منع می‌کنند و آن‌ها را به دنیا طلبی تشویق می‌کنند. من از آنان دوری می‌جویم و آن‌ها هم از من دورند.^۱

بنابراین، نکته اصلی این است که در تربیت آن‌ها و آموزش مسائل دینی اهتمام بورزیم و مراقب باشیم که مبدا مشغول دنیا شوند. برخی از پدر و مادرها حاضرند فرزندشان کلاس کامپیوتر برود، اما او را به کلاس قرآن نمی‌فرستند. دوست دارند مدرسه

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۴.

فوتبال برود، اما اجازه نمی‌دهند هیئت برود، تا جایی که دل آن‌ها مملو از مادیات می‌شود و دیگر جایی برای دل بستن به اهل بیت و پیروی از آن‌ها نمی‌ماند. قبل از آنکه مشغول دنیا شوند باید آن‌ها را با بردن به مجلس اهل بیت و یادگیری معارف معصومین و تشویق به گرفتن مجلس روضه در منزل توسط فرزندان، آن‌ها را فرزندانی ولایی و اهل بیتی بار بیاوریم.

خشت اول چون نهد معمار راست

تا ثریا می‌رود دیوار راست

پدر آقای قرائتی از نعمت فرزند محروم بودند. در کنار خانه کعبه از خدا طلب فرزند کردند، به این نیت که همه را خادم اهل بیت کنند. صاحب چندین فرزند شدند و چنان با این نیت خالص خود و مدد گرفتن از خدا و اهل بیت به تربیت آن‌ها اهتمام ورزیدند که همه آنها هم اکنون در لباس مقدس روحانیت مشغول سربازی امام زمان علیه السلام هستند.

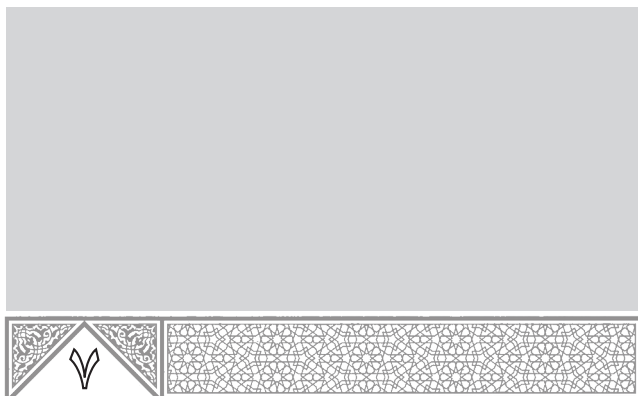
لازمه یک تربیت صحیح این است که از بدو تولد شروع کنیم. اگر ما به وظیفه خود عمل کنیم، خود اهل بیت علیهم السلام مسیر را درست می‌کنند. چه زیباست صحنه‌ای که یک مادر فرزند کوچک و شش ماهه خود را لباس عربی می‌پوشاند و به مجلس روضه اباعبد الله الحسین علیه السلام می‌برد. این کار بیش از همه چیز در تربیت خود فرزند و ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در قلب کوچکش مؤثر است.

روضه

باید به آن مادر گفت که نباید نگران چیزی باشد، چرا که

فرزندش در آغوش گرم مادر است و مردم با نگاه محبت او را نظاره می‌کنند. می‌گویند خدا او را به مادرش ببخشد، اما وقتی کوفیان فرزند شش ماهه امام حسین علیه السلام را روی دست حضرت دیدند، نه تنها دلشان به رحم نیامد، بلکه تیر سه پر به حلقوم کوچک علی اصغر تشنه لب زدند.

ای اهل کوفه رحمی این طفل جان ندارد
خواهد که آب گوید اما زبان ندارد
هنگام گریه کوشد تا اشک خود بنوشد
اشکی که لب کند تر دور دهان ندارد
الا لعنة الله على القوم الظالمين.....



اطاعت از اهل بیت علیهم السلام، شیعه و ویژگی ها

انگیزه سازی

مردی خدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام وارد شد، در حالی که شاد و مسرور بود. حضرت فرمود: به چه علت تو را شاد می بینم؟ عرض کرد: ای پسر پیامبر! از پدر بزرگوارت شنیدم که می فرمود: بهترین روزی که سزاوار است بنده خدا در آن روز شاد باشد، روزیست که توفیق خدمت و کمک و دستگیری از برادران مؤمن نصیب او گردد.

امروز ده نفر از برادران فقیر و عائله مندم از فلان شهر و فلان شهر به قصد من آمدند و من به هر کدام از آنها بخششی کردم؛ از آن جهت خوشحالم. حضرت فرمود: به جان خودم سوگند! تو شایسته این شادی هستی، اگر آن انفاق را نابود نکرده باشی یا

بعد از این در آینده آن را از بین نبری. آن مرد عرض کرد: چگونه آن را از بین ببرم و حال آنکه من از شیعیان خالص شما هستم؟ حضرت فرمود: احسانی که در حق برادران مؤمنت روا داشتی، باطل ساختی. عرض کرد چگونه باطل شد؟

فرمود: آیه قرآن را بخوان: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى.^۱ عرض کرد: ای پسر پیامبر! من بدانها که خدمت و نیکی کردم نه منت گذاشتم و نه آزار دادم. حضرت فرمود:

خداوند می فرماید: صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید و نفرموده است با منت گزاردن بر آن ها که در حقشان خوبی کردید یا آزردن آن ها، بلکه هر گونه آزرده شدن باعث تباه شدن آن احسانست، تو فکر می کنی آن جمعیتی که به آن ها خوبی کردی آزارشان مهمتر است یا آزردن فرشتگان محافظ تو و فرشتگان مقربی که دور و بر تو هستند یا آزردن ما؟ آن مرد عرض کرد: این آزار بزرگتر و مهم تر است. حضرت فرمود: بنا بر این هم مرا آزرده و هم فرشتگان را و صدقه خود را تباه ساختی.

عرض کرد: چرا؟ فرمود: به سبب همین که گفتی: من از شیعیان خالص شمایم! سپس فرمود: وای بر تو! می دانی شیعه خالص ما کیست؟ عرض کرد نه. فرمود: شیعه خالص ما حزبیل مؤمن، همان مؤمن آل فرعون و صاحب یس است، که خداوند متعال درباره اش می فرماید: مردی شتابان از دورترین نقاط شهر (انطاکیه) فرارسید، و همچنین سلمان و ابوذر و مقداد و عمار

از شیعیان ما هستند، و تو خود را با این افراد برابر دانستی! در این صورت آیا ما و فرشتگان را آزار ندادی؟ آن مرد عرض کرد: طلب آمرزش می‌کنم از خدا و توبه می‌کنم. حالا چه بگویم؟ فرمود: بگو من از وابستگان و دوستان شما، دشمن دشمنانتان و دوست دوستانتان هستم. آن مرد عرض کرد: پس چنین می‌گویم و چنین نیز هستم و از سخنی که شما و فرشتگان نپذیرفتید، توبه کردم، چون می‌دانم نپذیرفتن شما بدان جهت است که خداوند نپذیرفته است. حضرت جواد علیه السلام فرمود: (چون توبه کردی) ثواب صدقات و احسانی که به برادرانت نمودی بازگشت و نابودی آن‌ها رفت.^۱

اقناع اندیشه

«شیعه» را بدان جهت شیعه می‌گویند که بر اثر پیروی گروهی از صاحب مکتبی، آن مکتب شیوع و گسترش پیدا می‌کند.^۲ بنابراین پیروی و اطاعت از لوازم قطعی شیعه می‌باشد. حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن می‌فرماید:

«فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۳
پیرو ابراهیم خلیل علیه السلام کسی است که او را اُسوه خویش بداند و به‌دستورهای وی عمل کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ»^۴

۱. شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام (ترجمه جلد ۶۵ بحار الأنوار)، ص ۲۱۷.

۲. تسنیم، آیت الله جوادی آملی، ج ۱۴، ص ۵۴۱.

۳. ابراهیم/۳۶.

۴. ممتحنه/۴.

یکی از وظایف پیروان ابراهیم علیه السلام قیام بر ضد طاغوتیان و بیزاری از باورهای مشرکان است، بنابراین همان گونه که در بخش «تولی» در مناسک حج از آن حضرت پیروی می کنند، در قسمت «تبری» نیز باید به آن حضرت اقتدا کنند و از طاغوتیان و مشرکان برائت جویند.^۱

به این مثال دقت کنید:

گاهی صف های نماز جماعت آنقدر طولانی می شود که دیگر نمی توان امام جماعت را دید، مانند رواق امام در حرم امام رضا علیه السلام و یا شبستان حضرت معصومه علیه السلام. کسی که تازه رسیده و می خواهد به نماز جماعت متصل شود، امام جماعت را نمی بیند، ولی از حرکات مأمومین به حرکات امام جماعت پی می برد؛ یعنی، از رکوع مأمومین متوجه می شود که امام جماعت در رکوع است، چون مأموم از امام جماعت تبعیت می کند. سؤال اینجاست: آیا ظاهر ما، رفتار و کردار ما به گونه ای هست که اگر یک مسیحی یا یهودی یا ... ما را دید، رفتار امام ما را بشناسد؟

پرورش احساس

عبدالله بن ابی یعفر به امام صادق علیه السلام عرضه داشت:

«والله لو فلقت رمانة بنصفین فقلت هذا حرام وهذا حلال

لشهدت ان الذی قلت حلال، حلال؛ وان الذی قلت حرام،

حرام؛ فقال: رحمک الله، رحمک الله.»^۲

۱. تسنیم، ج ۱۴، ص ۵۴۲.

۲. رجال کشی، ص ۲۴۹.

سوگند به خدا! اگر اناری را از وسط دو نصف کنی و بفرمایی که نصف آن حلال و نصف دیگرش حرام است، مطمئناً گواهی خواهیم داد که آنچه را گفتی حلال، حلال است و آن نصفی را که فرمودی حرام، حرام است [و هیچگونه چون و چرا نخواهم کرد]. امام صادق علیه السلام فرمود: خدا تو را رحمت کند، خدا تو را رحمت کند. مقام این شیعه در نزد اهل بیت آن چنان رفیع بود که وقتی امام صادق علیه السلام خبر مرگ او را شنیدند، چنان گریه می کردند که شانه های مبارکشان می لرزید، بعد فرمودند: خدا «عبدالله بن ابی یعفور» را رحمت کند، به محض ورودش به عالم دیگر، خدا جایی به او می دهد که یک طرف آن به خانه پیغمبر صلی الله علیه و آله و یک طرف به خانه جدم امیر المؤمنین علیه السلام و یک طرف به خانه عمویم امام مجتبی علیه السلام و یک طرف به خانه جدم حضرت سید الشهداء علیه السلام وصل است. ملاک این مقام، پاکی، معرفت و کرامت نفس او بوده است.^۱ امام باقر علیه السلام فرمود:

«يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ وَاللَّهُ مَا مَعَنَا مِنَ اللَّهِ بَرَاءَةٌ وَلَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ قَرَابَةٌ وَلَا لَنَا عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ وَلَا نَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعاً لِلَّهِ تَنَفَّعَهُ وَلَا يَتُّنَا وَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِياً لِلَّهِ لَمْ تَنَفَّعْهُ وَلَا يَتُّنَا وَيُحْكَمْ لَا تَغْتَرُّوا وَيُحْكَمْ لَا تَغْتَرُّوا»^۲

ای گروه شیعه! به خدا ما از جانب خدا براتسی نداریم، و میان ما و خدا قربانی نیست و بر خدا حجتی نداریم و جز با اطاعت به سوی خدا تقرب نجوئیم، پس هر کس از شما که مطیع خدا باشد،

۱. من لایحضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج ۶، ص ۳۹۳.

۲. کافی (ط - دار الحدیث)، ج ۳، ص ۱۹۳.

دوستی ما سودش دهد و هر کس از شما نافرمانی خدا کند، دوستی ما سودش ندهد. وای بر شما! مبادا فریفته شوید. وای بر شما! مبادا فریفته شوید.

رفتار سازی

یکی از موارد اطاعت و ولایت پذیری از اهل بیت علیهم السلام، اصلی است که متأسفانه به خاطر زیر پا گذاشتن و عمل نکردن به آن هر روز صدها نفر از برادران و خواهران شیعه ما به طرز ناجوانمردانه‌ای به شهادت می‌رسند و ترور می‌شوند؛ اصل تقیه. آیا آن‌هایی که این واجب مسلم اسلام را زیر پا گذاشته‌اند، در ریختن خون این انسان‌های بی‌گناه شریک نیستند؟ اصلی که وجود نازنین پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: جزء دین من و دین اجداد من بوده.^۱

اصلی که عامل حفظ دین اسلام و مذهب تشیع می‌باشد و متأسفانه عده‌ای خودخواه و کج فهم به خاطر رعایت نکردن آن ضربات جبران ناپذیری به مذهب تشیع وارد کرده‌اند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «التَّقِيَّةُ مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْمُؤْمِنِينَ يَصُونُ بِهَا نَفْسَهُ وَإِخْوَانَهُ عَنِ الْفَاجِرِينَ».^۲

در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: مؤمن در هر حال مجاهد است، زیرا او در دولت باطل به وسیله تقیه با دشمنان خدا می‌جنگد، و در دولت حق به وسیله اسلحه.^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۰.

۲. جامع الاخبار، ص ۹۴.

۳. وسائل، ج ۱۱، ص ۴۶۴.

تقیّه به معنای کتمان عقیده‌ی حق، به خاطر ترس از آزار مخالفان است. به عبارت دیگر، حفظ و اخفاء عقیده و کنار آمدن موقت با دشمنان دست دوم برای مبارزه با دشمنان دست اول که گاهی واجب و در مواردی حرام است. تقیه به معنای ارتداد، ضعف و ترس، عقب‌نشینی، خودباختگی، تسلیم و ... نیست؛ بلکه یک نوع تاکتیک و شیوه مبارزه برای حفظ نیروها و برنامه‌های اساسی است.

مگر نه اینکه ما باید مطیع اوامر اهل بیت علیهم‌السلام باشیم؟ مگر نه اینکه به گفته امام صادق ولی فقیه حرفش حرف امام زمان علیه‌السلام است؟^۱ تقیه در هر زمان مصداقی دارد و از جمله مصداق تقیه در زمان ما، خودداری از لعن خلفا است که مراجع و در رأس آنان ولی فقیه این کار را جایز نمی‌دانند. آیا اگر ما برای شادی دلمان خلفا را در ملأ عام لعن کردیم و بین مسلمانان اختلاف انداختیم و باعث

۱. عمر بن حنظله گوید: از امام صادق علیه‌السلام در باره دو مرد از خودمان پرسش کردم که چون در چیزی با یک دیگر اختلاف داشته باشند برای قضاوت به سلطان (حاکم جابر) یا قاضی‌های او رجوع کنند، آیا این کار جایز است یا نه؟ گفت: هر کس دعوی حق یا باطلی را نزد ایشان اقامه کند، چنان است که نزد جبت و طاغوت - که از مراجعه به آن‌ها نهی شده - مراجعه کرده باشد. گفتم: پس اختلاف میان خودشان را چگونه حل کنند؟ گفت: در میان افراد خود نگاه کنند و کسی را ببابند که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما نظر دارد و از احکام ما با خبر است، او را به داوری برگزینند، که من چنین کسی را بر شما حاکم و داور قرار می‌دهم. و چون (چنین کسی) حکم کند و از او نپذیرد، چنان است که حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده باشد و آنکه ما را رد کند همچون کسی است که خدا را رد کرده باشد، و در مرز شرک به خدا قرار دارد ... بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۶۲.

ریختن خون عده‌ای از شیعیان بی‌گناه شدیم، باعث خوشنودی اهل بیت می‌شویم یا خشم اهل بیت؟

روضه

باید دقت کنیم، طوری عمل نکنیم که خدای ناکرده نفاق در دلمان ایجاد شود و امام زمان را تنها بگذاریم. در برهه‌ای از زمان مردمی بودند که امام زمانشان را دعوت کردند، اما چه کردند؟ سفیرش را در کوفه کشتند و خودش را در کربلا.

و از همه سخت‌تر، عزیزانش را جلوی چشمانش کشتند. یکی از این صحنه‌های سخت، به زمین افتادن حضرت علی اکبر (علیه السلام) است؛ آن هنگامی که صدای ناله علی اکبرش را شنید و سریع خودش را به بدن قطعه قطعه علی اکبر رساند:

لاله اش را دید پرپر روی خاک

قطعه قطعه ریز ریز و چاک چاک

داد از کف طاقت و از پا فتاد

صورتش بر صورت اکبر نهاد

«وَوَضَعَ خَدَّهُ عَلَى خَدِّهِ وَقَالَ قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوا مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى انْتِهَاكِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ.» صورت به صورت غرق خون علی گذاشت و صدا زد «ولدی عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَاءُ.»^۱

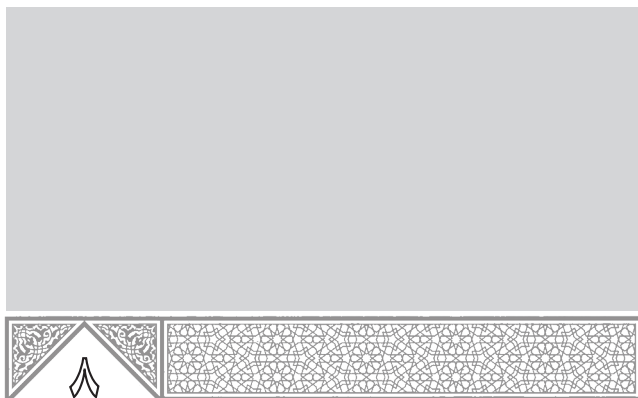
کس ندیده است که از تیغ هزاران جلاد

این همه زخم رسد بر تن پاکت پسر

۱. غم نامه کربلا، ص ۱۳۹ و موسوعه امام حسین (علیه السلام)، باب جهاد اکبر، ج ۴، ص ۶.



پاره های تنت افتاده به هر سو گویی
برگ گل ریخته در دامن گلشن پسر
داغ مرگ پسرش را به دلش بگذارند
آن که بگذاشته داغش به دل من پسر
یا حسین ...



دفاع از شیعه

۱. پاسخ به شبهات و هایت - زیارت

انگیزه سازی

یکی از رفقا می گفت: بعد از چند سالی که آرزوی زیارت مدینه را در سر می پروراندم و برای زیارت نقشه ها کشیده بودم، بالاخره خدا اجابت کرد و راهی شدم. چه فکرها می کردم! می گفتم: اگر بقیع بروم چه می کنم! اگر به کنار قبر پیامبر ﷺ بروم این حرفها را می زنم... کنار خانه بی بی دو عالم حضرت زهرا علیها السلام عقده گشایی می کنم... خلاصه با هزار آرزو وارد مدینه شدم.

رفتم حرم آقا رسول ﷺ؛ رفتم کنار ضریح؛ همین که دست بردم به طرف ضریح، ناگهان کسی محکم زد پشت سرم و بلند گفت: روح روح! و مرا انداخت کنار. گفتم: ای بابا! خواستیم ضریح

آقا را ببوسیم. با خودم گفتم: اشکالی ندارد، می‌روم کنار خانه بی‌بی زیارت می‌خوانم و دلی از عزا در می‌آورم. رفتم و شروع کردم به ذکر گفتن تا حضور قلب پیدا کنم و حس بگیرم. همین که شروع کردم به مناجات با بی‌بی، و اشک ریختم. دیدم بین زمین و آسمان! چنان با لگد زده بود که چند متر پرت شده بودم آن طرف‌تر. خلاصه هر کجا خواستم عرض ارادت کنم نشد؛ نه بقیع و نه هیچ جای دیگر. پی‌گیر که شدم، فهمیدم این‌ها اصلاً زیارت و تبرک کردن را قبول ندارند و آن را مرده‌پرستی می‌دانند، حتی زیارت پیامبر ﷺ را هم قبول ندارند؛ بوسیدن ضریح را هم شرک می‌دانند؛ تبرک را هم جزء انحرافات شیعه می‌دانند؛ و اصلاً به خاطر همین عقاید، خون شیعه را حلال می‌دانند. آیا واقعا شیعه برای این عقاید دلیل متقن و محکمی دارد؟

افناع اندیشه

وقتی از وهابی‌ها دلیل می‌خواهیم، قرآن تلاوت می‌کنند:

«إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمُوتَى وَلَا تَسْمَعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ»^۱

بی‌شک، نمی‌توانی دعوت خود را به گوش مردگان برسانی، و نمی‌توانی کران را آنگاه که روی برمی‌گردانند و پشت می‌کنند، فراخوانی.

«وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ ابداً وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ»^۲

۱. نمل / ۸۰.

۲. توبه / ۸۴.

اما جواب آیه اول:

در تفسیر نمونه می‌خوانیم:

فرقه‌ی وهابیون، آیه‌ی «اِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتِی» را دستاویز تفکر انحرافی خود قرار داده، می‌گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا رفته و هیچ سخنی را نمی‌شنود، بنابراین معنا ندارد که ما پیامبر را زیارت کنیم و خطاب به او مطالبی را بیان کنیم.

پاسخ فرقه‌ی مذکور این است که آیه در مقام يك تشبیه اجمالی است؛ نظیر تشبیه قلب سنگدلان به سنگ در تأثیر ناپذیری، «قلوبكم ... كالحجارة» نه این که قلب آنان در همه چیز مثل سنگ است؛ زیرا قرآن، حیات برزخی را در باره‌ی شهدا پذیرفته و نسبت به آن، روایاتی از شیعه و سنی نقل شده است:

محمد بن عبدالوهاب در کتاب الهدية السنية، ص ۴۱ می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفاتش دارای حیات برزخی، برتر از حیات شهداست و سلام کسانی را که به او سلام می‌دهند، می‌شنود.^۱ در صحیح بخاری می‌خوانیم: رسول خدا صلی الله علیه و آله با کفار هلاک شده جنگ بدر گفتگو می‌کرد و همین که مورد سؤال عمر قرار گرفت، فرمود: «والَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعَ» به خدایی که جانم در دست اوست، شما از آنان شنواتر نیستید.^۲

اما آیه دوم:

صریح آیه مذکوره دلالت بر آن دارد که نماز بر جنازه کفار

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۳.

۲. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۹۷.

مطلقاً جایز نیست، چرا که در ادامه آیه می‌فرماید: انهم کفروا بالله ورسوله؛ زیرا می‌گویند اگر کافر بودند نماز نخوان، و در ضمن می‌فهماند اگر مسلمان بود، نماز میت واجبست. و در قول او (وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ) نیز منظور کافران است، والا جایز است بلکه مستحب، ایستادن بر قبر مؤمنان و دعا کردن برای ایشان و زیارت ایشان، و ثابت شده به روایات صحیح که در این باب اجر جزیل است.

از آن طرف خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا».^۱

«جاءوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول» زیارت رهبران آسمانی و استمداد و توسل از طریق آن عزیزان، مورد تأیید قرآن است.

شاید به ذهن برسد که این مباحث در مورد حیات بزرگان علیهم السلام است نه ممات، اجازه بدهید چند روایت از اهل سنت ذکر کنیم تا مشخص گردد.

علامه امینی احادیث زیارت را جمع‌آوری نموده که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد:^۲

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «من زار قبری وجبت له شفاعتی».

۱. نساء/۶۴.

۲. الغدير، ج ۹، باب ترغيب زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله.

این حدیث را ۴۱ تن از حفاظ حدیث اهل سنت از جمله ابن خزیم، دارقطنی، سیوطی و ابن عساکر نقل نموده اند.

وهمچنین روایت عبدالله بن عمر: «من زار قبری كنت له شفیعاً و من مات فی احد الحرمين بعثه الله عزوجل فی الامنین يوم القيامة؛ هرکس قبر مرا زیارت کند شفیع او خواهم بود و هرکس در یکی از حرمین مکه و مدینه بمیرد، روز قیامت در امان خواهد بود.» این حدیث را یازده تن از جمله بیهقی، ابن عساکر، سبکی و سمهودی نقل کرده اند.

برای زیارت قبور اهل بیت نیز روایات زیادی داریم که از حد تواتر بیشتر است.

عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث طويل قال: أتاه رجل فقال له يا ابن رسول الله، هل يزأر والدك فقال نعم و يصلى عنده و قال يصلى خلفه و لا يتقدم عليه قال فما لمن أتاه، قال الجنة إن كان يأتهم به قال فما لمن تركه رغبة عنه قال الحسرة يوم الحسرة.^۱

شخصی نزد امام صادق عليه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد: ای پسر رسول خدا! آیا پدر شما را می توان زیارت کرد؟ حضرت فرمودند: بلی، علاوه بر زیارت نماز هم نزد قبر می توان خواند؛ منتهی نماز را باید پشت قبر به جا آورد نه جلو آن. آن شخص عرض کرد: کسی که آن حضرت را زیارت کند چه اجری دارد؟ حضرت فرمودند: اجر او بهشت است، مشروط به اینکه به آن حضرت اقتداء کرده و از او تبعیت کند. عرض

کرد: اگر کسی زیارت آن حضرت را از روی بی‌ رغبتی و بی‌ میلی ترک کند، چه خواهد دید؟ حضرت فرمودند: روز قیامت حسرت خواهد خورد.

پرورش احساس

حضرت آیه الله مرعشی نجفی ^{رضوان الله تعالی علیه} چنین فرمودند: آقای حائری^۱ از دنیا رفت، شب اول قبرش نماز لیلۀ الدفن خواندم و یک سوره یاسین هم قرائت نمودم. بعد از چند روز به خوابم آمد. پرسیدم: آقای حائری اوضاع چطور است؟ یادم بود که از دنیا رفته‌اند. گفت: وقتی از بسیاری مسائل گذشتیم و بدنمان را وارد قبر کردند، روح من مثل لباسی که از تن درآوری از بدنم جدا شد، به طوری که بدنم را می‌دیدم. در حالت بهت و حیرت نشسته بودم. ناگهان متوجه شدم از طرف پایین پایم صدایی بلند شد، نگاه کردم و دیدم دو نفر که همه وجودشان آتش است، به سمت من می‌آیند. چشم‌هایشان تشخیص داده نمی‌شد، ولی می‌فهمیدم که دو نفر هستند. ترس وجودم را فرا گرفت.

در همان جا در حالت بی‌کسی و غربت به خدا توجه کردم. در این هنگام متوجه صدایی از بالای سرم شدم. دیدم نوری به طرف من می‌آید. هر چه این نور بیشتر به طرف من می‌آمد، آن دو نفر آتشین عقب‌تر می‌رفتند. این کار ادامه داشت تا حدی که از آن دو نفر اثری نماند.

۱. حضرت آیه الله مرتضی حائری فرزند شیخ عبدالکریم.

بالای سرم آقای نورانی را دیدم که تبسمی به لب داشت. گفت:
آقای حائری ترسیدی؟

گفتم: بله آقا! چه ترسی! شما چه کسی هستید؟ آقا فرمودند:
من علی بن موسی الرضا هستم، آقای حائری شما ۳۸ مرتبه به
زیارت من آمدید. ۳۸ بار به بازدید می‌آیم، این اولینش است، ۳۷
بار دیگر نیز می‌آیم.

نقل شده است آقای حائری در آخرین سفرشان به مشهد
حضرت رضا (علیه السلام) را در خواب یا بیداری دیده و حضرت به ایشان
فرموده بودند: تو دیگر نیا، اکنون نوبت آمدن من نزد تو است.
ایشان از همین موضوع، دریافته بود که عمرش به پایان رسیده
است.^۱

باید همه به روی شما رو بیاورند
دل‌ها به لب نوای هو الهو بیاورند
باید که جن و انس تمام ملائکه
ایمان به دست ضامن آهو بیاورند
با تار موی شما که برابر نمی‌شود
گیرم هزار خرمن گیسو بیاورند
خسته شکسته‌ام و به سختی رسیده‌ام
پشت درم بگو که مرا تو بیاورند
در سفره هر چه می‌رسد از سمت مشهد است
آری هر آنچه هست از آن سو بیاورند

۱. آداب و احکام زیارت، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها، ص ۵۰.

روزی رسول خدا ﷺ در خانه فاطمه علیها السلام بود و علی و حسن و حسین علیهم السلام نیز نزد آن حضرت بودند و جمعی سراسر شادی و خوشحالی داشتند. در این هنگام جبرئیل امین فرود آمد و گفت: «ای محمد! خداوند سلامت می‌رساند و می‌گوید: آیا از اینکه در دنیا با اهل بیت خود گرد آمده‌ای، خوشحالی؟

گفت: آری، و خدا را بر این اجتماع سپاس می‌گزارم. جبرئیل گفت: خدای تعالی می‌فرماید: اینان کشته می‌شوند و قبرهاشان متفرق و پراکنده می‌گردد.

پیامبر ﷺ گریست و علی علیه السلام به آن حضرت گفت: چرا می‌گریید، ای رسول خدا؟

فرمود: ای علی! این جبرئیل است که از آینده شما به من خبر می‌دهد که کشته می‌شوید و قبرهاتان پراکنده می‌گردد.

علی علیه السلام گفت: ستایش خدای را به خاطر مصیبت‌هایی که به ما اختصاص داده است. ای رسول خدا! ثواب کسی که ما را در مدت زندگی یا پس از مرگمان زیارت کند، چیست؟

فرمود: هر که من یا تو، یا فاطمه، یا حسن، یا حسین را در مدت زندگی یا پس از مرگمان زیارت کند، کَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ همچون کسی است که خدا را در عرش او زیارت کرده و خداوند ثواب جهادگران در راه خدا را برایش خواهد نوشت.^۱

۱. عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۸۳.

رفتار سازی

پس زیارت ائمه معصومین (علیهم السلام) را در برنامه زندگی خود بگنجانیم که برکات زیادی دارد. دنبال حرف شیطان هم نرویم که "پولش را نداری". آیت الله بهجت رضوان الله تعالی علیه می فرمودند: توفیق زیارت ربطی به پول ندارد.^۱

البته امام صادق (علیه السلام) در روایتی راه کسب توفیق زیارت را بیان می کنند: کسی که سوره حج را در هر سه روز قرائت کند، از آن سال خارج نمی شود، مگر این که به سوی مکه معظمه خارج می شود و اگر در آن سفر از دنیا برود خداوند او را داخل در بهشت می کند.^۲ نکته آخر: اگر انسان بخواهد کاملاً به عهد و پیمانش نسبت به هر کدام از ائمه وفا کند، باید به زیارت قبورشان رود و بداند که هر کس با میل و رغبت به زیارتشان رود و مکتب آنان را تصدیق نماید، مشمول شفاعتشان در روز قیامت قرار می گیرد: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حَسَنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ، فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقاً بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أَثْمَتُهُمْ شَفَعَائِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^۳

روضه

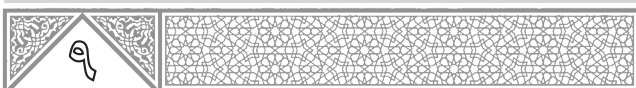
می خواهم این طور بگویم: خیلی دوست داریم به زیارت

۱. در محضر خویان.

۲. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۱۳۵ و مجمع البیان طبرسی، ج ۷، ص ۱۰۹.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۰.

مادرمان زهرا علیها السلام برویم و با ایشان درد دل کنیم، اما آن‌ها که مدینه رفته‌اند می‌گویند زهرا علیها السلام قبر ندارد. باید برای غربتش گریه کنیم. انشاء الله امام زمان بیاید و قبر مخفی مادرش را نشان دهد. چشم انتظاریم مهدی بیاید تا تربت را پیدا نماید.



دفاع از شیعه

۲. پاسخ به شبهات وهابیت - توسل

انگیزه‌سازی

یکی از شبهاتی که امروزه زیاد شنیده می‌شود، شبهه توسل به اهل بیت علیهم‌السلام است. خصوصاً عزیزی که به حج مشرف شده‌اند، یکی از حرف‌هایی که در قبرستان بقیع زیاد شنیده‌اند اینست که توسل به این چهار امام بزرگوار مرده‌پرستی است و بنا بر صریح آیه قرآن شرک است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۱. وهابیون می‌گویند: طبق صریح این آیات، حاجت خواستن از غیر خدا که همان توسل شیعیان است، شرک محسوب شده و مورد پذیرش خدا نیست.

اشتباه بزرگ وهابیت این است که تصوّر می‌کنند مفهوم توسّل به اولیاء الله این است که آنها را مستقلاً سرچشمه قضای حاجات و دفع کربات می‌دانند، در حالی که معنای توسّل این نیست. آیاتی که وهابیت به آن توسّل بسته‌اند آیاتی است که درباره عبادت است، در حالی که هیچ کس اولیاء الله را عبادت نمی‌کند. ما وقتی به پیغمبر اکرم متوسّل می‌شویم، آیا پیغمبر را عبادت می‌کنیم؟

به هر حال باید در ابتدای بحث روشن شود که توسّل به اولیاء الله، عبادت و پرستش آنها نیست، بلکه آنها در پیشگاه خدا برای کسی که به آنها متوسّل شده، شفاعت می‌کنند. درست مثل این است که من بخواهم به خانه شخص بزرگی بروم و آبرویی پیش او نداشته باشم. از شخصی که مرا می‌شناسد و با آن شخص بزرگ آشناست، خواهش می‌کنم که من همراه تو نزد او می‌آیم، تو مرا به او معرفی کن و در نزد او برای من شفاعت نما. این کار نه عبودیت است و نه استقلال در تأثیر.

اقناع اندیشه

در قرآن مجید خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.»^۱

مخاطب در این آیه همه افراد با ایمانند. در این جا سه دستور

داده شده است: اوّل دستور به تقوا، دوّم دستور به انتخاب وسیله، وسیله‌ای که ما را به خدا نزدیک کند، و سوّم دستور به جهاد در راه خداوند. در نهایت، نتیجه همان چیزی است که در آخر آیه آمده است: لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ این باعث فلاح و رستگاری شماست. اگر توسل کردن اشکالی داشت، خداوند در قرآن به توسل سفارش نمی‌نمود.

بر همین اساس بزرگان اهل سنت نیز اهل توسل بودند، چرا که ابن حجر مکی در صواعق از امام شافعی پیشوای معروف اهل سنت نقل می‌کند که شافعی به اهل بیت پیغمبر توسّل می‌جست و این شعر معروف را از او نقل می‌کند:

آل النبی ذریعتی و هم الیه وسیلتی
ارجوا بهم اعطی غداً بید الیمین صحیفتی

خاندان پیغمبر اکرم ﷺ وسیله من هستند، آن‌ها در پیشگاه او سبب تقرّب من می‌باشند، امیدوارم فردای قیامت به سبب آن‌ها نامه اعمال من به دست راست من سپرده شود.^۱

در قرآن هم به همین مطلب اشاره شده است که برخی از بندگان خدا نزد او آبرومند هستند و همین مطلب دستمایه‌ای برای توسل به خوبان و دعا کردن و طلب حاجت کردن از خداوند است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا»^۲

۱. التوصل إلى حقيقة التوسّل، ص ۳۲۹.

۲. احزاب/۶۹.

ما شیعیان نیز اهل بیت که نزد خدا آبرومند، می‌دانیم و می‌گوییم:
یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله.^۱

در بسیاری از روایات بحث توسل خصوصا توسل به پیامبر ذکر شده است. این توسل مربوط به زمان قبل از تولد، دوران کودکی، دوران پیامبری و بعد از رحلت پیامبر است. در حال که وهابیت معتقد است که توسل به پیامبر بعد از وفاتش هیچ فایده‌ای ندارد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هنگامی که آدم مرتکب خطا شد، عرض کرد: «يَا رَبِّ! أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي»؛ خداوند عالم فرمود: تو محمد را از کجا شناختی، در حالی که هنوز او را نیافریده‌ام؟

آدم عرض کرد: پروردگارا! این به سبب آن است که وقتی مرا آفریدی و از روح خود در من دمیدی، سرم را بلند کرده و دیدم این جمله بر پایه‌های عرش نوشته شده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ». از این عبارت فهمیدم که تو نام محمد را به نام خود اضافه نمی‌کنی، مگر به این دلیل که محبوب‌ترین خلائق نزد توست. خداوند خطاب کرد: آدم راست گفتی. «إِنَّهُ لَا حَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ ادْعُونِي بِحَقِّهِ فَقَدْ غَفَرْتُ لَكَ»^۲

در این داستان خداوند به آدم را راهنمایی کرد که او را به نام محمد قسم دهد و به او توسل کند. خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم به مردم همین دستور را می‌دادند و می‌فرمودند: به من توسل کنید و از خدا حاجت بخواهید.

۱. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲. مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۶۱۵.

مرد نابینایی خدمت پیغمبر اکرم ﷺ آمد و عرض کرد:
ای رسول خدا!! از خدا بخواه که مرا شفا دهد و چشمم را به من
بازگرداند.

پیغمبر به او دستور داد وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند
و بعد از نماز این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَتُوجِّهُ إِلَيْكَ
نَبِيَّكَ مُحَمَّدَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتُوجِّهُ بِكَ إِلَى رَبِّي فِي
حَاجَتِي لَتُقْضَى، اللَّهُمَّ شَفِّعْهُ فِيَّ.»

عثمان بن عمیر راوی این حدیث می گوید: ما در همان مجلس
نشسته بودیم، مدتی گذشت، دیدیم مرد نابینا وارد مجلس شد، در
حالی که هیچ آثاری از نابینایی در او نبود و چشمش روشن بود.^۱

پرورش احساس

سیره رزمندگان ما در جبهه‌های حق علیه باطل نیز همین
مسئله توسل بود و در تمام عملیات‌ها و سختی‌ها شهدا با توسل به
اهل بیت نبرد را پیش می‌بردند و از اسلام دفاع می‌کردند.

سی، چهل متر مانده بود برسیم به موانع، دشمن منور زد، آن هم
درست بالای سر ما! صحنه نابرابری درست شد؛ آن‌ها توی یک دژ
محکم، پشت موانع و پشت خاکریز بودند، ما توی یک دشت صاف.
حدود یک ربع تا بیست دقیقه، آتش، شدید بود. رفته رفته قطع
شد. اگر بوی عملیات به مشام دشمن می‌رسید، به این راحتی‌ها
دست بردار نبود.

۱. مجموعة الرسائل والمسائل، ج ۱، ص ۱۸.

به حالت سینه‌خیز رفتم جایی که عبدالحسین بود. به نظر می‌آمد خواب باشد. همان‌طور که به سینه دراز کشیده بود، پیشانی‌اش را گذاشته بود پشت دستش و تکان نمی‌خورد. گفتم: انگار نمی‌خواهی برگردی حاجی؟ چیزی نگفت. چند لحظه‌ای ساکت ماند. جور خاصی که انگار بخواهد گریه‌اش بگیرد، گفت: من هم عظم به جایی نمی‌رسد. دقیقاً یادم هست همان‌جا صورتش را گذاشت روی خاک‌های نرم و رملی کوشک. حدود ده دقیقه گذشت. هیچ نمی‌گفت. بالأخره عبدالحسین به حرف آمد، مثل کسی که شدید گریه کرده باشد.

گفت: هر چی که می‌گویم دقیقاً همان کار را بکن؛ به سمت راستش اشاره کرد و ادامه داد: سر ستون که رسیدی، برمی‌گردی سمت راست، بیست و پنج قدم می‌شماری. بیست و پنج قدم که شمردی و تموم شد، همان‌جا یک علامت بگذار، بعد برگرد و بچه‌ها را پشت سر خودت ببر آن‌جا. وقتی به آن علامت که سر بیست و پنج قدم گذاشته بودی، رسیدی؛ این دفعه رو به عمق دشمن، چهل متر می‌روی جلو. آن‌جا خودم به بچه‌ها می‌گویم چه کار کنند.

لحنش جدی بود و قاطع. چاره‌ای جز انجام دستور نداشتم. با کمک فرمانده گروهان‌ها و فرمانده دسته‌ها، گردان را حدود همان چهل متر، بردم جلو. عبدالحسین گفت: به محض این که من گفتم الله اکبر، شما ردّ انگشت من را می‌گیری و شلیک می‌کنی

به همان طرف.

عبدالحسین سرش را بلند کرد رو به آسمان. دعایی هم زیر لب خواند. صدای نعره‌اش رفت به آسمان؛ الله اکبر!

دشمن قبل از اینکه به خودش بیاید، تار و مار شد.

اذان صبح بود. نماز را که خواندیم، از فرط خستگی، هر کس گوشه‌ای خوابید. من هم کنار عبدالحسین دراز کشیدم.

عبدالحسین داشت بلند می‌شد، گفتم: راستش جریان دیشب برایم خیلی سؤال شده. پرسید: کدام جریان؟

ناراحت گفتم: خودت را به آن راه زن، این «بیست و پنج قدم به راست و چهل متر به جلو»، جریانش چی بود؟

گفت: برای این جور سؤال و جواب‌ها وقت زیاد داریم. گفتم: نه، همین حالا باید بدانم موضوع چی بود.

یک‌دفعه چشم‌هایش خیس اشک شد. با لحن غمناکی گفت: موقعی که عملیات لو رفت و توی آن شرایط گیر افتادیم، حسابی قطع امید کردم. مثل همیشه، تنها راه امیدی که باقی مانده بود، توسل به واسطه‌های فیض الهی بود. توی همان حال و هوا، صورتم را گذاشتم روی خاک‌ها و متوسل شدم به وجود مقدس خانم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

چشم‌هایم را بستم و چند دقیقه‌ای با حضرت راز و نیاز کردم. در همان اوضاع، یک‌دفعه صدای خانمی به گوشم رسید؛ صدایی ملکوتی که هزار جان تازه به آدم می‌بخشید. به من فرمودند: فرمانده!

یعنی آن خانم، به همین لفظ فرمانده صدایم زدند و فرمودند: این طور وقت‌ها که به ما متوسل می‌شوید، ما هم از شما دستگیری می‌کنیم، ناراحت نباش.

چیزهایی که دیشب به تو گفتم، که برو سمت راست و برو کجا، همه‌اش از طرف همان خانم بود.^۱

رفتار سازی

عالم بزرگوار حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه می‌فرمود: اشک برسیدالشهدا از نماز شب هم بالاتر می‌باشد. ایشان حتی ۵۰ سال روزه هفتگی داشتند که الان هم توسط شاگردانش ادامه دارد.^۲ و زیارت عاشورای ایشان با صد لعن و صد سلام ترک نشد. شما زندگی‌نامه علامه قاضی که استاد خیلی از عرفا بوده را ببینید، ایشان فرمودند: هر هفته روزه خانگی داشته باشید.^۳

امام زمان علیه السلام ما هر روز توسل دارند، همین‌طور که در زیارت ناحیه مقدسه فرمودند: جدغرییم! هر صبح و شام برای شما گریه می‌کنم. اگر اشکم خشک شود برای شما خون گریه می‌کنم.^۴ مردم عزیز! ما باید در لحظه لحظه زندگی اهل توسل باشیم. سعی کنیم روزی یکبار، هفته‌ای یکبار، ماهی یکبار عرض توسلی داشته باشیم. مهم این است که ما اهل توسل باشیم. چه کارپسندیده ایست

۱. خاک‌های نرم کوشک،

۲. به نقل از فرزند ایشان حجت الاسلام علی آقابجهت.

۳. وصیت‌نامه علامه قاضی (ره).

۴. زیارت ناحیه مقدسه در کتاب مزار الکبیر ابن مشهدی.

که ما هر روز توسل داشته باشیم و سلامی به اهل بیت علیهم السلام بدهیم.

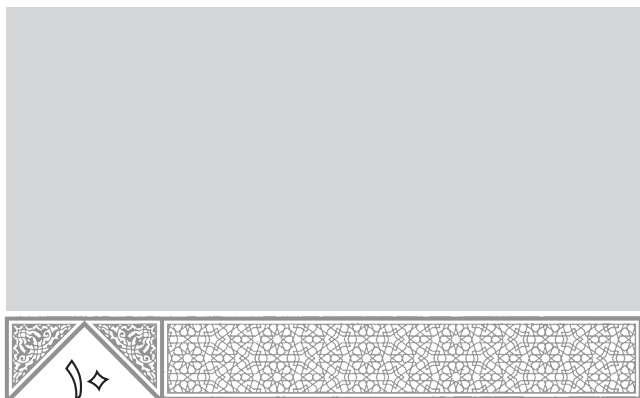
روضه

بگذارید امشب ما هم سلامی بدهیم و توسلمان را با سلام شروع کنیم. عرض ادبی به مادر سادات داشته باشیم: السلام علیک یا فاطمه الزهرا یا بنت رسول الله یا قره عین الرسول و رحمه الله و برکاته.

محبان فاطمه زهرا! نوشته اند: «ما زالتْ بَعْدَ ابیها مُعَصَّبَةً الرَّأْسِ، نَاحِلَةً الْجِسْمِ، بِاِکِیَّةِ الْعَیْنِ، مُنْهَدَّةَ الرُّكْنِ». ندیدند که زهرا علیها السلام بعد از پدر عصابه‌ای را که به سر بسته بود، از سر باز کند. روز به روز لاغرتر و ناتوانتر می‌شد و بعد از پدر همیشه زهرا را با چشمی گریان دیدند. «مُنْهَدَّةَ الرُّكْنِ» این جمله معنی عجیبی دارد. «رکن» یعنی پایه، مثل یک ساختمان که پایه‌هایی دارد و روی آن پایه‌ها ایستاده است. از نظر جسمانی، پا و ستون فقرات رکن انسان است، یعنی انسان که می‌ایستد روی این بنای استخوانی می‌ایستد. گاهی از نظر جسمی، این رکن خراب می‌شود، ولی گاهی انسان از نظر روحی آنچنان درهم کوبیده می‌شود که گویی آن پایه‌های روحی که روی آن ایستاده است خراب شده است.

بله محبین مادر سادات! پهلوی زهرا را شکستند، اما در جای دیگه هم سینه‌ای را شکستند؛ جایی که اسب‌ها را نعل تازه زدند و روی جسم ابی عبدالله تاختند و هشموا صدره و ظهره.^۱

۱. موسوعة الامام الحسین علیه السلام، ج ۱۰، ص ۷۶۸.



مقام شیعه در قیامت

انگیزه سازی

صدای کوبه در به گوش رسید و رایحه خوش نبی خدا خانه را پر کرد. شادی و شغف در چهره پیامبر ﷺ خودنمایی می کرد.

امیرالمومنین (علیه السلام) که خوشحالی پسر عمویش را دید، پرسید: یا رسول الله! چرا امروز خوشحالید؟

پیامبر ﷺ فرمودند: محبوب من! نور چشم من! آمده ام تا به تو بشارت دهم که جبرئیل بر من فرود آمد و گفت: خدای سبحان بر تو سلام می رساند و می گوید برو به علی بشارت بده که شیعیان علی چه مطیع و چه معصیت کار، اهل بهشتند.

علی (علیه السلام) به سجده افتاد و دستان خود را به طرف آسمان بلند کرد و فرمود: همه ی عالمیان شاهد باشند که من نصف عباداتم را به شیعیانم هدیه کردم.

و حضرت زهرا علیها السلام از طرف دیگری آمدند و فرمودند: خدایا تو گواه باش، من هم نصف حسنام را به شیعیانم هدیه نمودم. لحظه‌ای بعد امام حسن علیه السلام سمت جدش آمد و فرمود: خدایا تو گواه باش، من هم نصف حسنام را به شیعیانم هدیه نمودم. و بعد از برادر، میوه دل رسول خدا، امام حسین علیه السلام آمد و فرمود: خدایا تو گواه باش، من هم نصف حسنام را به شیعیانم هدیه نمودم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمودند: شما اهل بیت من که از من کریم‌تر نیستید، پس خدایا شاهد باش من هم نصف حسنام را به شیعیان دادم.

جبرئیل نازل شد و فرمود: خداوند سبحان گفته است شما اهل بیت از من کریم‌تر نیستید؛ حتماً حتماً شیعیان شما را بخشیدم و شیعیان علی و دوستانشان اگر گناهانی به اندازه‌ی کف دریا و برگ درختان داشته باشند، آن‌ها را می‌بخشم.^۱

اینچنین روایاتی باعث شده کسانی که شیعه را هم منکر هستند، به مقام ایشان اعتراف کنند.

اقناع اندیشه

اجازه بدهید از زبان برادران اهل سنت در باره مقام علی علیه السلام و شیعیان ایشان در قیامت صحبت کنیم که اقرار اغیار به این نکات خیلی شیرین‌تر و بااهمیت‌تر است و ما شیعیان را هم در مذهب

۱. منتخب التواریخ، ص ۸۰۲. البته باید توجه داشت که این روایت حق الناس را در بر نمی‌گیرد.

خودمان قوی تر می کند.

حافظ ابونعیم اصفهانی احمد بن عبدالله که از اجله علمای عظام و محدثین فخام و محققین کرام اهل سنت می باشد، در کتاب معتبرش حلیه الاولیاء روایت می کند به اسناد خودش از ابن عباس که:

چون آیه ۸ و ۷ سوره بینه نازل گردید،

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۷)
جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (۸)

رسول اکرم ﷺ خطاب کرد به علی ابن ابیطالب و فرمود:
یا علی هو انت و شیعتک تاتی انت و شیعتک یوم القیامه راضین
مرضین.^۱

یا علی مراد از خیر البریه در آیه تویی و شیعیان تو. روز قیامت تو
و شیعیان تو می آید، در حالتی که خداوند از شما راضی و شما هم
از خداوند راضی و خشنود باشید.

و جلال الدین سیوطی که از مفاخر علمای اهل سنت است، در
تفسیر خود در المنثور فی کتاب الله بالمأثور از خلکان و ایشان از
جابر بن عبدالله انصاری نقل می نماید:

در خدمت رسول اکرم بودیم، علی ع وارد شد. پیغمبر ﷺ
فرمودند:

والذی نفسی بیده ان هذا و شیعتہ لهم الفائزون یوم القیامه

۱. شواهد التنزیل ج ۲، ص ۴۶۱ و فصول المهمه، ج ۲، ص ۱۱۶۶.

فَنَزَلَ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»^۱

این روایت با اسناد مختلف و مضامین مشابه و از لسان افراد گوناگون غیر شیعه، قطره‌ای از اقیانوس است، و کاملاً جایگاه ایشان را در قیامت محرز می‌کند.

پرورش احساس

اینست که باعث می‌شود رسول اکرم ﷺ به علی علیه السلام بفرماید:

«مَثَلُكَ فِيَّ امْتِي مَثَلُ الْمَسِيحِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ.»

مَثَل تو در امت من، مثل عیسی بن مریم است که قوم او سه فرقه شدند: فرقه‌ای مؤمنین و آن‌ها حواریون بودند؛ و فرقه دشمنان او و آن‌ها یهود بودند؛ و فرقه‌ای غلات که درباره آن جناب غلو نمودند (او را خدا و شریک خدا قرار دادند) و امت من هم درباره تو سه فرقه می‌شوند:

فرقه شیعتک و هم المؤمنون: فرقه‌ای شیعیان تو هستند و آن‌ها مؤمنین‌اند؛ و فرقه‌ای دشمنان تو هستند، و آن‌ها ناکثین و شکنندگان عهد و بیعت تو می‌باشند؛ و فرقه‌ای غلو کنندگان در باره تو می‌باشند و آنان جاحدین و گمراهانند. فانت یا علی و شیعتک فی الجنه و محبوا شیعتک فی الجنه و عدوک و الغالی فیک فی النار.^۲

۱. در المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹.

۲. مناقب خوارزمی، ص ۳۱۷.

اگر در خلق، حق را در نیابی

بیابی خانه اما در نیابی

نبی بیت الله و بابش علی دان

اگر از در نیایی در نیابی

در روز قیامت، گروهی سوار بر مرکب‌هایی از نور وارد صحرای محشر می‌شوند و با صدای بلند می‌گویند: «سپاس خداوندی را که وعده‌ای که به ما داد، راست بود و زمین را میراث ما قرار داد. اکنون در هر جا از بهشت که بخواهیم منزل می‌گزینیم.»

در این هنگام مردم می‌گویند: این‌ها پیامبران هستند، ولی از سوی خداوند متعال ندا می‌آید: «نه، اینها شیعیان علی بن ابیطالب هستند. آنان بندگان برگزیده و بهترین مخلوقات من هستند.»^۱

ای خوشا آن دل که عاشق می‌شود

در حریم شیعه لایق می‌شود

راه می‌یابد به خان حیدری

می‌نماید بر جهانی سروری

کاش من هم عاشقت بودم علی

همچو شیعه لایقت بودم علی

همچو حجر بن عدی جان می‌شدم

جان به قربان تو جانان می‌شدم

یا که می‌شدم می‌شدم بالای دار

ذکر حق می‌گفتم اندر کارزار

حیف من بر شیعه لایق نیستم
 واقعا مجنون و عاشق نیستم
 لیک دل خوش دارم اندر کوی تو
 عاقبت بینم خم ابروی تو
 با نگاهی از غم آزادم کنی
 گاه رفتن، یا علی یادم کنی

آقای حاج سید عبدالکریم قزوینی نقل کرد که شخص موثقی
 از یکی از سنی‌های ثروتمند نقل کردند:

جوانی شیعه پیش من کار می‌کرد، تقوی و رفتار این جوان ما را
 جلب کرد. من به عیالم گفتم: خوب است دخترمان را به او بدهیم.
 عیالم گفت: او شیعه است و ما سنی، مناسبت ندارد. به او پیشنهاد
 کن اگر حاضر هستی سنی شوی ما دخترمان را به تو می‌دهیم.
 به جوان پیشنهاد کردیم، جوان گفت: مانعی ندارد. به حضور
 قاضی شهر رفتیم و گفتیم جریان چنین است. اتفاقاً والی شهر
 نزد قاضی آمده بود. قاضی خواست از این جریان استفاده کند، در
 حضور والی به جوان گفت:

بگو: من شهادت می‌دهم به اولویت ابوبکر نسبت به علی
 برای خلافت. جوان گفت: من شهادت می‌دهم به اولویت ابوبکر
 برای خلافت نسبت به علی، اگر خدا راضی باشد. قاضی گفت:
 جوان! همانطوری که من می‌گویم بگو و دوباره تکرار کرد: بگو من
 شهادت می‌دهم به اولویت ابوبکر. جوان گفت: شهادت می‌دهم
 به اولویت ابوبکر، اگر رسول خدا ﷺ راضی باشد. قاضی گفت:

جوان! به تو گفتم تو همانطور که من شهادت می دهم شهادت بده، و برای بار سوم تکرار کرد: بگو شهادت می دهم به اولویت ابوبکر بر علی برای خلافت. جوان گفت: شهادت می دهم به اولویت ابوبکر برای خلافت، اگر حضرت والی راضی باشد. والی گفت: نه، من در این کار مداخله نمی کنم. شخص سنی می گوید: به جوان گفتم: برویم من شیعه می شوم، زیرا اولویت ابوبکر که نه خدا راضی است، نه رسول خدا، و نه حضرت والی به درد نمی خورد. من با جوان به منزل رفتیم. عیالم گفت: خوب، سنی شد؟ گفتم: نه، من هم شیعه شدم و دخترم را به او دادم.^۱ این است شیعه واقعی علی علیه السلام.

رفتار سازی

ماهم اگر قصد داریم در قیامت جزء شیعیان علی علیه السلام و فائزون و ناجی باشیم، باید بینیم اهل بیت از ما چه می خواهند. یکی از چیزهایی که اهل بیت علیهم السلام از ما می خواهند، همین هدایتگری ایتم آل محمد علیهم السلام می باشد تا جایی که در روایت از امام حسن عسکری علیه السلام آمده که ابا عبدالله الحسین علیه السلام می فرماید:

«مَنْ كَفَلَ لَنَا يَتِيماً قَطَعَتْهُ عَنَّا مَحَبَّتُنَا حَتَّى أُرْسَدَهُ وَ هَدَاهُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَتَيْهَا الْعَبْدُ الْكَرِيمُ الْمُوَاسِي لِأَخِيهِ أَنَا أَوْلَى بِالْكَرَمِ مِنْكَ اجْعَلُوا لَهُ يَا مَلَائِكَتِي فِي الْجَنَانِ بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ عَلَّمَهُ أَلْفَ أَلْفٍ قَصْرٍ وَ ضُمُّوا إِلَيْهَا مَا يَلِيقُ بِهَا مِنْ سَائِرِ النَّعِيمِ.»^۲

۱. روزنه‌هایی از عالم غیب، ص ۳۲۳-۳۲۴.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲، ص ۴.

کسی که کفالت کند برای ما یتیمی را که محبت ما از او قطع گردیده تا اینکه او را ارشاد و هدایت کند، خداوند عز و جل می گوید: ای بنده کریم ما که خیرخواهی کردی برای برادرت، من به کرامت از تو اولی تر هستم. ملائکه من! برای او در بهشت به عدد هر حرفی که به او یاد داده هزار هزار قصر قرار بدهید و ضمیمه کنید به آن هر آنچه که از نعمت‌ها ملحق می گردد.

اگر انسان می خواهد مصداق این روایات قرار گیرد، بهترین راهش طلبگی امام زمان علیه السلام است، زیرا طلبگی این بستر را مهیا می کند که بتوانی برادرانت را هدایت کنی، خوشا به حال کسانی که یا خودشان طلبه شدند و یا اسباب طلبه شدن دیگری را فراهم کردند. متأسفانه شنیده می شود که بعضی از فرزندان مایلند طلبه بشوند، ولی والدین جلوی این خیر کثیر را می گیرند. البته خودشان باید فردا جوابگو باشند، و این یک اهمال کاری محسوب می شود. اگر هم نمی توانیم طلبه شویم و به صورت علمی دیگران را راهنمایی کنیم، حداقل نسبت به اطرافیان و خویشاوندان بی تفاوت نباشیم و دست کم به وظیفه خود در امر به معروف و نهی از منکر عمل کنیم.

روضه

از پیامدهای اهمال و سستی ما در هدایت دیگران این است که امام زمان علیه السلام هر عصری تنها می ماند و امیرالمؤمنین علیه السلام ۲۵ سال خانه نشین می شود، کار به جایی می رسد که برای بیعت گرفتن، او

را به زور به طرف مسجد می‌برند. حضرت زهرا علیها السلام با اینکه صدمه دیده بود خود را به میان آنان و امام علیه السلام می‌رساند و می‌فرماید:

وَاللّٰهُ لَا اَدْعُكَ تَجْرُؤَنَّ ابْنَ عَمِّیْ ظُلْمًا؛ به خدا سوگند نمی‌گذارم

پسرعمو و امامم را ظالمان برای بیعت به مسجد ببرید.

اما وقتی علی علیه السلام را از دستستان فاطمه علیها السلام جدا کردند و با آن

وضع به مسجد بردند، زهرای مرضیه علیها السلام با ضجّه فرمودند:

«خَلُّوْا عَنْ ابْنِ عَمِّیْ فَاَلَّذِیْ بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَئِنْ لَا تُخَلُّوْا

عَنْهُ لَا نُنْشِرَنَّ شَعْرِیْ وَلَا صَعْنَ قَمِیْصَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله عَلٰی

رَاسِیْ وَلَا ضُرْحَنَّ اِلٰی اللّٰهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی»؛ به خدایی که پیامبر را

مبعوث کرد، اگر علی را رها نکنید، گیسوان پیریشان می‌کنم و پیراهن

رسول خدا را بر سر می‌گذارم و شما را نفرین می‌کنم.

ناگهان سلمان فارسی با اشاره امام علیه السلام از حضرت خواست

نفرین نکند و به منزل برگردد، حضرت خطاب به سلمان فرمودند:

«یَرِیْدُوْنَ قَتْلَ عَلِیِّ علیه السلام وَ مَا عَلٰی عَلِیِّ علیه السلام صَبْرٌ.»^۱ می‌خواهند

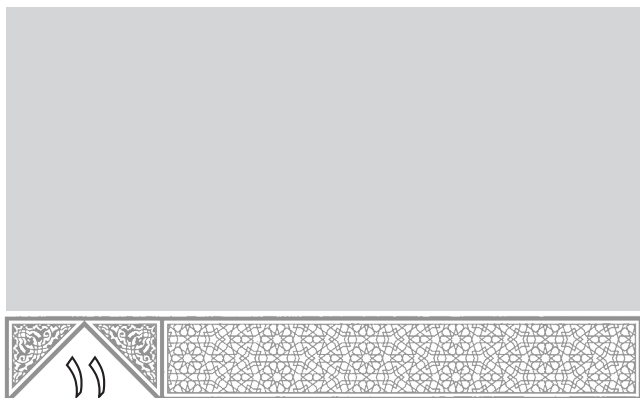
علی علیه السلام را بکشند و من بر این داغ صبر ندارم.

اما بگو یا زهرا، علی تو را آن زمان کشتند که موقع غسل تو

متوجه بازوی ورم کرده تو شد. علی تو آن زمان جان داد که شبانه

پیکر تو را غریبانه و مظلومانه داخل قبر گذاشت و فرمود: یا رسول

الله! امانتت را برگرداندم.



شیعه و آخر الزمان و ظهور امام زمان علیه السلام

انگیزه‌سازی

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که جمعی از اصحاب اطرافشان بودند، دو مرتبه فرمودند: «اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي.»
خداوندا برادرانم را به من برسان.
فَقَالَ مِنْ حَوْلِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ «أَمْ نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟»

حضرت فرمودند: نه، شما یاران من هستید. برادران من کسانی هستند که در آخر الزمان می‌آیند و ندیده به من ایمان می‌آورند. خداوند آن‌ها را پیش از آنکه از صلب پدران به رحم مادران در آیند با نام خود و پدرانشان به من معرفی نموده است که استقامت هر یک از آن‌ها در دین خود، از کندن خارهای گون در شب تاریک،

و به دست گرفتن آتش گداخته سخت‌تر است. آن‌ها مشعل‌های هدایت هستند که خداوند آن‌ها را از فتنه‌های تیره و تاریک نجات می‌بخشد.^۱

اقناع اندیشه

در فرهنگ اسلام، آخرالزمان به دوران غیبت و ظهور مهدی موعود علیه السلام گفته می‌شود که از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع شد و تا به حال ادامه دارد. هدف از گفتگو درباره غیبت امام عصر علیه السلام اولاً و بالذات کشف چرایی غیبت آن وجود مبارک نیست، بلکه آن است که مؤمن منتظر وظیفه خویش را در زمان این غیبت بشناسد و بفهمد که آیا به وظیفه خویش عمل می‌کند یا نه.^۲

شاید برای بعضی این سؤال مطرح باشد: آیا در آخرالزمان وظیفه‌ای متوجه ما شیعیان هست؟ مگر ما نباید منتظر باشیم تا منجی عالم بشریت تشریف بیاورند و ظلم و ستم را از بین برده، عدالت را در جهان به وجود آورند؟

اگر اینطور باشد پس با قوم بنی اسرائیل چه فرقی می‌کنیم؟ آن‌ها هم در جواب حضرت موسی علیه السلام گفتند: «أَنَا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبِّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ.»^۳ و بعد دچار نفرین پیامبر خدا شدند: «قَالَ رَبِّ آتِنِي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَ

۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۵۲، ص ۱۲۴ و فرهنگ الفبایی

مهدویت یا موعود نامه، مجتبی تونه ای، ص ۳۵ و ۳۶.

۲. امام مهدی موجود موعود، آیت الله جوادی آملی، ص ۱۲۸.

۳. مائده/۲۴.

اخی فافرق بیننا و بین القوم الفاسقین.»^۱

مردم باید خود به اصلاح جامعه بپردازند، نه آنکه تنها از خداوند و رهبران دینی توقع اصلاح داشته باشند و آرزوی پیروزی بدون کوشش، خردمندانه نیست. «فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^۲

در روایات می‌خوانیم: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ» بهترین عمل، انتظار آمدن حضرت مهدی علیه السلام است. بر اساس این حدیث، انتظار، حالت نیست، بلکه عمل است: «افضل الاعمال». بنابراین، منتظران واقعی باید اهل عمل باشند. منتظران مصلح باید خود صالح باشند، کسی که منتظر مهمان است در خانه آرام نمی‌نشیند.^۳

معنای انتظار با احتضار فرق می‌کند. معنای انتظار این نیست که امام زمان بیاید و درست بکند، شما شب منتظر خورشید هستی، اما در تاریکی نمی‌نشینی؛ تلاش می‌کنی، چراغی روشن می‌کنی، البته منتظر خورشید هم هستی.^۴ حضرت هم از ما انتظار دارند که برای زمینه‌سازی ظهورشان کاری بکنیم و خدا نکند این دست روی دست گذاشتن از روی غفلت و مشغولیت، حمل بر عدم تشنگی برای ظهور آن حضرت شود.

پرورش احساس

حاج محمد علی فشندی که از موثقین نزد علمای قم در زمان

۱. مائده/۲۵.

۲. تفسیر نور، ج ۶، ص ۶۳.

۳. تمثیلات، ص ۴۸.

۴. برنامه درس‌هایی از قرآن، آقای قرائتی سال ۷۱.

خودش بوده، می‌گوید: خیلی دوست داشتم حضرت مهدی علیه السلام را زیارت کنم. خیلی توسل کردم. آخرین توسل این بود که چهل جمعه به زائران مسجد جمکران آب بدهم، شاید ایشان توفیق زیارتشان را نصیب حقیر کنند. نزدیک چهلمین جمعه بود، مثل همیشه به زائران حضرت آب تعارف می‌کردم. مشک آبم داشت خالی می‌شد. خواستم از مسجد خارج بشوم، دیدم سید جلیل القدری وارد مسجد شد. گفتم: بگذار یک لیوان آب هم به آقا سید تعارف کنم. گفتم: آقا سید آب میل دارید؟ ایشان تشکر کرد. لیوان آب را که دستشان دادم، نگاهی به آب کردند و فرمودند: اگر شیعیان ما به اندازه همین یک لیوان آب تشنه ما بودند، ما ظهور می‌کردیم.

حاج محمد علی می‌گوید: آن لحظه نفهمیدم منظور آقا سید چیست. وقتی از او جدا شدم، تازه فهمیدم او کسی غیر از مولایم نمی‌تواند باشد. برگشتم و هرچه گشتم آقايم را ندیدم.^۱

غصه دارد که حضرت فرموده باشند تأخیر ظهورشان به خاطر عدم تشنگی ماست، اما ایشان حق دارند، چرا که اعمال ما را صبح و عصر محضر ایشان عرضه می‌کنند و ایشان در اعمال ما همه چیز می‌بینند جز تلاش برای زمینه سازی ظهورشان!

موسی بن سیار از یاران امام رضا علیه السلام می‌گوید: با امام رضا علیه السلام وارد شهر حیطان در حوالی طوس شدیم. در این حال شنیدم منادی ندا می‌داد. وقتی خوب نگاه کردم، دیدم دارند جنازه‌ای را تشییع می‌کنند، در این هنگام آقای من، امام رضا علیه السلام، جلو رفتند و زیر

۱. شیفتگان حضرت مهدی، ج ۱، ص ۱۵۵.

جنازه را گرفتند و بلند کردند و مانند مادری که بچه اش را در بر بگیرد با محبت آن را تشییع کردند و رو به من فرمودند: «يَا مُوسَى بْنَ سَيَّارٍ مَنْ شَيَّعَ جَنَازَةَ وَلِيٍّ مِنْ أَوْلِيَائِنَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ لَا ذَنْبَ عَلَيْهِ.»

تشییع جنازه ادامه یافت تا میت را در کنار قبر گذاشتند، در این هنگام حضرت جلو رفتند و مردم راه را باز کردند تا حضرت در کنار جنازه قرار گرفتند. سپس حضرت دست خود را بر روی سینه میت گذاشتند و فرمودند: «يَا فُلَانُ بْنَ فُلَانٍ أَبْشِرْ بِالْجَنَّةِ فَلَا خَوْفَ عَلَيْكَ بَعْدَ هَذِهِ السَّاعَةِ.»

موسی بن سیار می گوید: من که از شنیدن این کلام حضرت متعجب شده بودم، با تعجب پرسیدم: فدای شما شوم! شما این مرد را می شناسید؟ قسم به خدا اینجا مکانی است که شما تا به امروز پا به آن نگذاشته اید!

پس حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

«يَا مُوسَى بْنَ سَيَّارٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّا مَعَاشِرَ الْأَيِّمَةِ نُعَرِّضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ شِيعَتِنَا صَبَاحًا وَمَسَاءً فَمَا كَانَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلْنَا اللَّهَ تَعَالَى الصَّفْحَ لِصَاحِبِهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلْنَا اللَّهَ الشُّكْرَ لِصَاحِبِهِ.»^۱

ای موسی ابن سیار آیا نمی دانی اعمال شیعیانمان صبح و عصر بر ما ما اهل بیت عرضه می شود؟ اگر تقصیر و معصیتی در اعمالشان باشد از خدا می خواهیم صاحبش را ببخشد و اگر کار نیکی در آن

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۴۱ و بحار الأنوار، بیروت، چاپ دوم، ج ۴۹، ص ۹۸.

باشد از خدا برای صاحبش طلب پاداش می‌کنیم.
یعنی حضرت اعمال ما را صبح و عصر می‌بینند. ای کاش به
خوبی به تکلیفمان عمل کرده باشیم و موجب خوشحالی حضرت
شویم.

رفتار سازی

حال سوال اینجاست که تکلیفمان چیست؟
مقام معظم رهبری می‌فرمایند: امروز تکلیف شما چیست؟
شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن
بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده اقدام فرماید. از صفر که
نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا
فداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، والا مثل انبیا و اولیای
طول تاریخ می‌شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ
اولوالعزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدی‌ها پاک و پیراسته کنند؟
چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود.

چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در زمان خودش؛ در
همان مدت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی؛ با آن علم متصل به
معدن الهی؛ با آن نیروی اراده، با آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌هایی
که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر
اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره او نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟ خود آن
بزرگوار را از سر راه برداشتند! (قُتِلَ فِي مُحَرَّابِ عِبَادَةِ لَشِدَّةِ عَدْلِهِ).
تاوان عدالت امیرالمؤمنین جان امیرالمؤمنین بود که از دست
رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد

کرده بودند! زمینه را زمینه دنیا طلبی کرده بودند. آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف آرای می کردند، کسانی بودند که زمینه های دینشان زمینه های مستحکم و ماده غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، اینطور فاجعه به بار می آورد!

آن وقت اگر امام زمان علیه السلام در یک دنیای بدون آمدگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد.^۱

حالا که چنین است، مهمترین کاری که باید برای زمینه سازی ظهور مولایمان انجام دهیم چیست؟

بیاپید از تاریخ کربلا درس بگیریم، اگر مردم کوفه نسبت به فرامین مسلم بن عقیل خوب اطاعت می کردند، زمینه حضور حسین فاطمه علیهم السلام فراهم می شد. کسی که نسبت به نائب امام زمانش وظیفه شناس است، قطعا زمینه ساز خوبی برای ظهور مهدی فاطمه است.

یکی از دوستان شهید صیاد شیرازی، امیرسرتیپ ناصر آراسته نقل می کنند که:

یک روز که به دیدار آیت الله بهاء الدینی می رفتیم، شهید صیاد سفارش کرد به ایشان بگویید صیاد سلام رسانده و گفته دلم برایتان خیلی تنگ شده است. این را که به آقا گفتم، از بالای عینک نگاهی به من انداختند و گفتند: شما آقای صیاد را می شناسی؟ گفتم: نه آنطور که شما می شناسید. این سوال را سه بار تکرار کردند. گفتم:

۱. بیانات در دیدار با اқشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

نه. بعد ایشان سه بار گفتند «صیاد یک پارچه نور است» سلام مرا به او برسانید.

ایشان نقل می‌کند: یک روز که در معیت صیاد با امام خامنه‌ای دیدار داشتیم، دفترچه را درآورد و شروع کرد به نوشتن صحبت‌های آقا. بعد از جلسه از او پرسیدم: چرا اینقدر مقیدی که صحبت‌های آقا را بنویسی؟ تلویزیون در اخبار ساعت ۱۴ و ۲۱ اعلام می‌کند، روزنامه‌ها هم می‌نویسند. به من گفت: تو حقوق دانی؟ گفتم: بله. گفت عدم اجرای دستور فرمانده جرم است یا نه؟ گفتم: بله، اما ربطی به سؤال من ندارد. گفت: تأخیر در اجرای فرمان رهبر جرم است یا نه؟ گفتم: بله، اما باز هم ربطی به سؤال من ندارد. گفت: دارد؛ من فرمایشات آقا را سخنرانی تلقی نمی‌کنم، بلکه تدبیر فرمانده به سربازش می‌دانم و چون نمی‌دانم تا رسیدن به ستاد کل عمرم باقیست یا نه! اگر بمیرم برای تأخیرم در اطاعت امر فرماندهم جوابی ندارم، لذا می‌نویسم تا در ماشین تدابیر را به فرامین تبدیل کنم که اگر عمرم سرآمد آن دنیا پاسخی داشته باشم.^۱

روضه

اما اهل کوفه نه تنها از مسلم اطاعت نکردند، بلکه از بالای بام سنگ می‌زدند، تیر می‌زدند. بدن زخمی شده حضرت را به طرف دارالاماره بردند. تشنه است، اما تا سه مرتبه هر چه خواست آب بنوشد، آب خون آلود شد. گفت: گویا مقدر آن است که من تشنه

۱. بیان خاطره از امیرسرتیپ ناصر آراسته، جانشین گروه مشاوران نظامی رهبر معظم انقلاب.

باشم. دیدند آقا گریه می‌کند. چرا می‌گریی؟ فرمود: برای خودم گریه نمی‌کنم، بلکه برای عزیز زهرا، حسین علیه السلام، گریه می‌کنم که همراه با خانواده‌اش به سوی شما مردم پیمان شکن می‌آید. مردم منتظرند ببینند چه خواهد شد؟ ناگهان دیدند سر بریده‌ای از بالای دارالاماره به زمین افتاد و بعد از آن هم بدن بی سر غرق به خونی. وقتی خبر به اردوگاه ابی عبدالله رسید ناله هاشمیان و فاطمیان بلند شد. اشک از چشمان حسین علیه السلام جاری شد، اما به خانواده مسلم تسلی دادند. یا ابا عبدالله کسی نبود به زینبت، به سکینه‌ات تسلی بدهد، آن وقتی که بدن پاره پاره‌ات در گودی قتلگاه بر زمین افتاده بود. آخر بمیرم! راوی می‌گوید: دیدم فَأَجْتَمَعَتْ عِدَّةٌ مِنَ الْأَعْرَابِ حَتَّى جَرُّهَا عَنْهُ، عده‌ای از اعراب آمدند و سکینه را کشان کشان از بدن پدر جدا کردند.^۱ همه صدا بزنید: یا حسین!

۱. سوگنامه آل محمد علیهم السلام، روضه عصر عاشورا.



رجعت و بازگشت امامان و شیعیان نشان و حکومت صالحان در زمین

انگیزه‌سازی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ وَيَوْمَ
نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا قُلْتُ يَقُولُونَ إِنَّهَا فِي الْقِيَامَةِ - قَالَ لَيْسَ
كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ أَيْ يَحْشُرُ اللَّهُ فِي الْقِيَامَةِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ
فَوْجًا وَيَدْعُ الْبَاقِينَ - إِنَّهَا آيَةُ الْقِيَامَةِ قَوْلُهُ «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ
مِنْهُمْ أَحَدًا»^۱

علی بن ابراهیم در تفسیر خود از «حماد بن عثمان» نقل
می‌کند: حضرت صادق عليه السلام فرمود: مردم درباره این آیه: «روزی که
از هر جمعی دسته‌ای را محشور کنیم (نمل / ۳۸)» چه می‌گویند؟

عرض کردم: می‌گویند: مربوط به قیامت است، فرمود: چنین نیست، درباره رجعت است؛ مگر در قیامت خدا از هر جمعی دسته‌ای را محشور می‌کند و دیگران را وامی‌گذارد؟! آیه قیامت این است: همه را محشور کنیم، و احدی از آنان را وانگذاریم.^۱

افناع اندیشه

رجعت در لغت به معنای بازگشت به دنیا پس از انتقال به جهان دیگر است و در اصطلاح به این مفهوم است که امامان خاندان وحی و رسالت علیهم‌السلام و انبوهی از کسانی که جهان را بدرود گفته‌اند، بار دیگر پس از حضرت مهدی علیه‌السلام و پیش از شهادت او به خواست خداوند و اراده حکیمانه او به این جهان باز می‌گردند. رجعت از عقائد مسلم شیعه است و آیات و روایات در این باره بیش از حد شهرت و تواتر است.^۲

در بسیاری از ادعیه و زیارات معتبر نیز به مسئله رجعت تصریح شده است؛ مثلاً در زیارت جامعه می‌فرماید:

«مَعْرِفُ بَکُم مَّؤْمِنٌ بَايَا بَکُم مَّصَدَّقٌ بَرَجَعْتُمْ مَتَّظِرٌ لَا مَرُکَم

مَرْتَقِبٌ لِّدَوْلَتِکُمْ.»

به شما ایمان دارم، بازگشت شما را باور دارم و رجعت شما را تصدیق می‌کنم، امر شما را انتظار می‌کشم و دولت شما را چشم به

۱ . تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴.

۲ . موعودنامه، مجتبی تونه‌ای، ص ۳۴۹. مؤسسه انتشارات میراث ماندگار، چاپ ۱۵،

راهم.^۱

و یا در زیارت آل یاسین عرضه می‌داریم:

«وَأَنْ رَّجَعْتُمْ حَقُّ لَا رِيبَ فِيهَا.»^۲

همچنین در دعای عهد اینگونه آمده:

«اللهم ان حال بینی و بینہ الموت الذی جعلته علی عبادک

حتما مقضیا فاخر جنی من قبری.»^۳

خدایا اگر مرگی که بر همه بندگان مسلم کرده‌ای، میان من و

ظهور مولایم جدایی بیندازد، مرا از قبر بیرون بیاور.

در قرآن موارد مختلفی از زنده شدن مردگان در امت‌های پیشین

ذکر شده است؛ به عنوان مثال:

پیامبری از کنار یک آبادی عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن

فرو ریخته بود و اجساد و استخوان‌های اهل آن در هر سو پراکنده

شده بود. از خود پرسید: چگونه خداوند این‌ها را پس از مرگ زنده

می‌کند؟ خدا او را یکصد سال میراند و سپس زنده کرد و به او

گفت چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد: یک روز یا قسمتی از آن،

فرمود: نه. بلکه یکصد سال بر تو گذشت. (آیه ۲۵۹ سوره بقره).

یا در سوره بقره در آیه ۷۳، در مورد کشته‌ای که بنی اسرائیل

در مورد پیدا کردن قاتلش دچار نزاع و جدال شده بود، می‌گوید:

دستور داده شد گاوی را با ویژگی‌هایی سر ببرند و بخشی از آن را

بر بدن مرده زنند تا به حیات بازگردد (و قاتل خود را معرفی کند و

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۳۱.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۲ و ۹۴.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

نزاع خاتمه یابد.)

«فَقُلْنَا ضَرُّوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُخَيِّ اللَّهُ الْمُؤْتَىٰ وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ
لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.» (بقره/ ۷۳)

یا زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام:

حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: «أَخِي الْمُوْتَىٰ يَا ذَنْ اللَّه!»؛ یکی
از معجزات من این است که اموات را به اذن پروردگار زنده می کنم.
(آل عمران/ ۴۹)

برگشتن مردگان در آخرالزمان فلسفه حکیمانه ای دارد. در
آخرالزمان حکومتی به وجود می آید که در آن ظلمی نخواهد بود و عدل
مطلق است. مؤمنین خالصی به دنیا برمی گردند که استعداد کمالات در
آن ها بسیار بالا بوده، ولی به خاطر ظلم زمانشان کسی آن ها را تربیت
نکرد و استعدادشان شکوفا نشد. به همین دلیل این استعدادها بالقوه
باقی ماند. برای اینکه ظلمی به این مؤمنین نشود، آن ها برمی گردند و
استعدادهایشان به فعلیت می رسد و تکمیل می شود.^۱

از جمله بارزترین مؤمنین، خود ائمه علیهم السلام هستند که برمی گردند.
هر کدام از ائمه علیهم السلام صلاحیت این را داشتند که دنیا را مدیریت
کنند، ولی این اتفاق در زمان آن ها نیفتاد. در زمان آن ها به خاطر
ضعف مردم و ظلم حاکمان، استعداد مدیریت جهانی به فعلیت
نرسید و این عبادت را انجام ندادند. همه مردم را به سمت خدا بردن
عبادت بزرگی است. پس ائمه علیهم السلام بعد از ولی عصر برمی گردند که
این مدیریت را داشته باشند و آن عبادت خدا را انجام بدهند. از

۱ . تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۹.

طرفی سران کفار هم بر می‌گردند تا ذلت و عذابی ببینند و انتقامی از آن‌ها گرفته بشود. باید در دنیا این انتقام از آن‌ها گرفته بشود. این در راستای عدل است.

«ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد.»

(قصص/ ۸۵)

آن کسی که قرآن را بر تو فرو فرستاد، به یقین تو را به وعده‌گاہت باز می‌گرداند.

امام سجاد علیه السلام در تأویل این آیه فرمود: پیامبر شما و امیر مؤمنان و امامان اهل بیت در عصر ظهور به دنیا باز می‌گردند.^۱

اگر عقیده به رجعت نباشد، ممکن است بعضی از افراد دچار ناامیدی و سرخوردگی بشوند. مثلاً بگویند که فرض کنیم من خوب باشم و آمادگی فردی برای ظهور داشته باشم، ظهور امام نیاز به آمادگی اجتماعی دارد و آن دست من نیست. از این رو، ممکن است امید و در نتیجه، پاکی خودش را از دست بدهد، اما اگر کسی عقیده به رجعت داشته باشد، می‌گوید به فرض که اجتماع آمادگی ظهور را نداشته باشد، همین که من آماده باشم در هنگام ظهور هستم، حتی اگر ظهور در زمان من نبود، من می‌توانم در زمان ظهور باشم. اگر خوب باشم، می‌توانم در زمان رجعت جزو افراد آن زمان باشم.

پرورش احساس

مشرک محض نیز بر می‌گردد تا سزای حق‌کشی‌ها و

۱. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۳۹.

تجاوزگری‌های خود را پیش از آخرت و در همین دنیا بپشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: نخستین کسی که درباره او محکمه عدل در حکومت حقه تشکیل می‌شود، محسن فاطمه (ع) است. بین او و قاتلش محکمه برگزار می‌شود. قنفذ و آقایش آورده می‌شوند و با تازیانه‌هایی از آتش شلاق می‌خورند. شلاق‌هایی که اگر یکی از آن‌ها به یکی از کوه‌های دنیا بخورد، ذوب می‌شود و تبدیل به خاکستر می‌گردد.^۱

در اخبار رجعت امام حسین (ع) تصریح شده که به هنگام رجعت حضرت، یزید و سپاهیان‌ش نیز رجعت می‌کنند و امام حسین (ع) آن‌ها را می‌کشد و برای هر ضربتی یک ضربت می‌زند.^۲ جمعی از رجعت‌کنندگان، سلمان، مقداد، جابر بن عبدالله، ابودجاجه، مالک اشتر، مفضل بن عمرو، حمران بن اعین، مومن ال فرعون، یوشع بن نون و اصحاب کهف هستند.^۳

رجعت در مورد مؤمنین اختیاری است. امام صادق (ع) می‌فرماید: هنگامی که حضرت ولی عصر ارواح‌الهدی قیام کند، مأمورین الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می‌گیرند و به آن‌ها می‌گویند: ای بنده خدا! مولایت ظهور کرده است، اگر بخواهی به او پیبندی آزاد هستی، و اگر بخواهی در نعمت‌های الهی متنعم بمانی، باز هم آزاد هستی.^۴

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹.

۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹.

۳. رجعت، محمد خامی، ص ۲۰۰.

۴. موعود نامه، مجتبی تونه‌ای، ص ۳۵۰.

دعا کنیم ما هم جزء اصحاب رجعت باشیم. یکی از دعا‌های ما در محضر خدا در این شب‌های پر برکت این باشد که ما جزء اصحاب رجعت باشیم.

رفتار سازی

چه کنیم که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام جزء اصحاب رجعت باشیم؟

امام صادق علیه السلام در روایتی زیبا ویژگی‌های رجعت‌کنندگان را این چنین بیان می‌کنند:

«أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَيَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام وَإِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مُحَضًّا أَوْ مَحَضَ الشَّرْكَ مُحَضًّا»^۱

نخستین کسی که قبرش می‌شکافد و زنده شده، به دنیا برمی‌گردد، حسین بن علی علیه السلام است. و این رجعت عمومی نیست (که تمام مردگان زنده شده سر از قبر درآورند)، بلکه افراد خاصی به دنیا برمی‌گردند که یا مؤمن خالص و یا مشرک محض باشند.

در رجعت، مؤمن خالص که در تمام عمر از طرف کفار و منافقین مورد آزار قرار گرفته است، برمی‌گردد تا در پرتو حکومت حقه، روی آرامش و آسایش را ببیند و قسمتی از پاداش اعمال نیک خود را پیش از آخرت در این جهان ببیند.

اهل بیت علیهم السلام یک راه میانبر هم به ما معرفی کرده‌اند تا شیعیان بتوانند خود را به این مقام برسانند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۳، ص ۳۹.

«مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ
انصَارٍ قَائِمِينَ فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ وَأَعْطَاهُ
بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَهُوَ هَذَا: اللَّهُمَّ رَبَّ
نور العظیم.»^۱

هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر
پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدا او را از قبر بیرون آورد که در
خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه به او
کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند.^۲

یکی از چیزهایی که امام در روزهای آخر به اطرافیان نشان توصیه
می کردند، خواندن دعای عهد بود. ایشان می گفتند: صبح ها سعی
کن این دعا را بخوانی؛ چون در سرنوشت دخالت دارد.

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه حتی در موقعی که در بیمارستان
بستری بودند، از انس با کتاب مفاتیح الجنان غافل نبودند. پس از
رحلت جانگذازشان که مفاتیح شان را از بیمارستان به بیت منتقل
می کردیم، متوجه شدیم امام در مفاتیح خود در کنار دعای شریف
عهد که آن را یک اربعین می خواندند، تاریخ شروع را هشت شوال
نوشته اند. حتی امام آنقدر دعای عهد خوانده بودند که آن قسمت از
مفاتیح ایشان فرسوده شده بود.^۳

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۹۳.

۲ . مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۳ . برداشتهایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۴۲.

روضه

خواندن دعای عهد یکی از راه‌های بیعت با امام زمان است و یکی دیگر از اموری که ما به وسیله آن می‌توانیم به امام زمان مدد برسانیم، گریه برسیدالشهداست. خود حضرت هر صبح و شام برای جد غریبشان گریه می‌کنند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَيْرَةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مَنْ بَكَتْ فِي مُصَابِهِ السَّمَاوَاتُ الْعُلَى»^۱

«السَّلَامُ عَلَى الْمُدْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانِ السَّلَامُ عَلَى الرُّءُوسِ الْمُفَرَّقَةِ

عَنِ الْأَبْدَانِ»^۲

ای کاش فقط همین بود، یا صاحب الزمان!

بر جسم پاره پاره فرس تاختن چرا؟

در آفتاب، نعش وی انداختن چرا؟

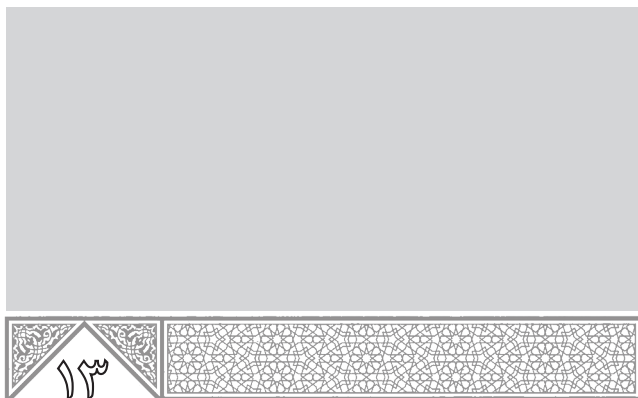
بعد از هزار و نهصد و پنجه جراحتش

بگذاشتنش به خاک، تنش بی‌کفن، چرا؟

یا حسین...

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۸، ص ۲۳۶.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۸، ص ۳۱۹.



عید فطر و حفظ دستاوردهاے ماه مبارك رمضان

انگیزه سازی

امشب شب آخر ماه مبارك است، محمد بن عجلان می گوید:
از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: وقتی ماه رمضان می شد،
علی بن الحسین علیه السلام هیچ غلام و کنیزی را مؤاخذه نمی کرد، و اگر
عمل خلافی انجام می دادند، آن را می نوشت. وقتی شب آخر ماه
رمضان می رسید، همه را صدا می زد و نوشته ای را بیرون می آورد و
خلافکاری های آن ها را می خواند و از همه اقرار می گرفت. سپس
می فرمود که همه بلند بگویند: ای علی بن الحسین! همان طور که
تو اعمال ما را شمردی، پروردگارت هم آنچه تو انجام داده ای به
حساب آورده و نوشته ای دارد که به حق، علیه تو سخن می گوید.
هیچ عمل کوچک و بزرگی را از آنچه به جا آورده ای، فروگذار نکرده

و به حساب می‌آورد. پس، از ما بگذر و عفو نما؛ چنانکه دوست داری او از تو درگذرد. ای علی بن الحسین! ذلت خود را در برابر پروردگار حاکم عادل به یادآور که به اندازه خردلی ظلم نخواهد کرد و هر عملی را به جا خواهد آورد. از ما درگذر و عفو نما تا خداوند هم از تو بگذرد!

در این هنگام، گریه‌ها شروع می‌شد و مناجات با خدا به میان می‌آمد، تا آنکه حضرت آن‌ها را می‌بوسید و می‌فرمود: از شما درگذشتم. آیا شما هم از من درگذشتید؟ آیا از من راضی شدید؟ همه می‌گفتند: ای آقای ما! ما از تو درگذشتیم! تو به ما بدی نکردی! آن‌گاه حضرت می‌فرمود که همه بگویند: «اللهم اغف عن علی بن الحسین کما عفی عنا فاعتقه من النار کما اعتق رقابنا من الرق»؛ خدایا علی بن الحسین را عفو نما، همان‌طور که او ما را عفو کرد. او را از آتش آزاد کن، چنانکه او ما را از بردگی آزاد کرد و خود حضرت می‌فرمود: «اللهم آمین رب العالمین» و همه را آزاد می‌نمود.^۱

افناع اندیشه

سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) و علما بوده است که در مثل این شب، زکات فطره خود و خانواده خود را کنار می‌گذاشتند. در چنین روزی، مؤمنین باید روزه خود را تمام کنند و به وسیله پرداخت زکات فطره یا همان فطریه، روزه‌های خویش را به پایان رسانند. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «ان من تمام الصوم اعطاء الزکوة یعنی الفطره.»^۲ به درستی که

۱. بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۸.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، باب الفطره، ص ۱۷۵.

پرداخت زکات؛ یعنی فطریه، از تمام روزه است. پرداخت نکردن زکات فطره، ناقص شدن روزه‌ها را به دنبال دارد. از این رو، مؤمنین در این روز با پرداخت فطریه روزه‌های خویش را تمام می‌کنند.

علاوه بر این، عدم پرداخت زکات فطره باعث مرگ ناگهانی می‌شود. امام صادق (ع) به اسحاق بن عمار فرمود: «برو فطریه عیال و مملوک ما را خارج کن و احدی را باقی نگذار، زیرا اگر فطره کسی را واگذاری من از فوت او می‌ترسم.» اسحاق می‌گوید: گفتم: فوت چیست؟ فرمود: «مرگ.»^۱

زکات فطره واجب مؤکد است و شرط قبولی روزه ماه مبارک رمضان و سبب حفظ تا سال دیگر. از این جهت، مؤمنین قبل از نماز عید، فطریه خود را پرداخت یا لااقل آن را از اموال خویش جدا می‌سازند.

در قرآن کریم، واژه زکات در ۳۲ آیه ذکر شده است. آنچه در این میان قابل دقت و توجه می‌باشد این است که در ۲۷ آیه از ۳۲ آیه یاد شده، واژه «زکات» در کنار واژه «صلاة» ذکر شده است.

پرورش احساس

طبق برخی روایات، خداوند در ماه رمضان، در موقع افطار، هفتاد میلیون نفر را که همگی سزاوار آتش شده‌اند، از آتش آزاد می‌کند و به اندازه تمام افرادی که در ماه رمضان آزاد نموده، در شب آخر آن آزاد می‌کند.^۲ و طبق برخی دیگر، خداوند در شب

۱. إقبال الأعمال، ص ۲۷۴: الباب السادس و الثلاثون فیما نذکره.

۲. كَانَ يَقُولُ إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ سَبْعِينَ أَلْفَ أَلْفِ عَتِيقٍ

اول ماه رمضان هر کدام از مخلوقات خود را که بخواهد، می‌بخشد؛ در شب بعد این عده را دو برابر می‌کند؛ و در شب بعد دو برابر تعداد تمام افراد شب‌های قبل را از آتش آزاد می‌کند؛ (و به همین ترتیب) تا شب آخر ماه رمضان که در این شب، تعداد تمام کسانی را که در این ماه آزاد کرده است، دو برابر می‌کند.^۱

ما ۳۰ روز گرسنگی و تشنگی جسم و روح را در گرمای تابستان تحمل کردیم، اگر به عشق خدا نبود لااقل برای خودمان این سختی‌ها را تحمل کردیم! و در این ماه مبارک برکات عظیمی نصیب ما شد.

اکنون، این ماه با ما وداع کرد و رفت؛ وداع و رفتنی که شرحش را فقط باید از زبان مبارک ائمه هدی (علیهم‌السلام) و نماینده آن‌ها، امام سجاد (علیه‌السلام)، به سوزناک‌ترین حالت شنید، حضرت حدود ۱۹ بار به این ماه مبارک سلام می‌فرستند:

«السلام علیک من قرین جل قدره موجودا و افجع فقده مفقودا.»
سلام بر تو ای نزدیکی که وقتی گرامی بودی و حال که در آستانه رفتن هستی، رفتنت فاجعه است.

«فنحن مودعوه وداع من عز فراقه علينا وغمنا و إوحشنا

مِنَ النَّارِ كُلًّا قَدْ اسْتَوْجَبُوا [اسْتَوْجَبَ] النَّارَ فَإِذَا كَانَ آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَعْتَقَ فِيهَا مِثْلَ مَا أَعْتَقَ فِي جَمِيعِهِ. إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج ۱، ص ۲۶۱.
۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه‌السلام): إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ غَفَرَ اللَّهُ لِمَنْ شَاءَ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَلِيهَا ضَاعَفَهُمْ فَإِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَلِيهَا ضَاعَفَ كُلَّ مَا أَعْتَقَ حَتَّى آخِرَ لَيْلَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تُضَاعَفُ مِثْلَ مَا أَعْتَقَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ. إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج ۱، ص ۳.

انصرافه عنا.» ما با این ماه خدا حافظی می‌کنیم، خدا حافظی کسی که جدایی‌اش برای ما سخت است و این جدایی ما را اندوهگین می‌کند و با رفتنش تنها می‌شویم.^۱

از سخنان معصومین (علیهم‌السلام) چنین استفاده می‌شود که روز عید فطر، روز گرفتن مزد است، به همین دلیل، مستحب است انسان در این روز زیاد دعا کند و به یاد خدا باشد و روزش را به بطالت و تبلی نگذراند و خیر دنیا و آخرت را بطلبد.

در آخر ماه مبارک رمضان عید فطر می‌گیرند، چون جایزه و مزد يك ماه را به ما می‌دهند؛

روز عید است و من مانده در این تدبیرم
که دهم حاصل سی روزه و ساغر گیرم

رفتار سازی

یک بشارت و يك هشدار!

اول، بشارت: در روایت است از امام باقر (علیه‌السلام) که: «عباد الله! ان إدنی ما للصائمين والصائمات ان ینادیهم ملک فی آخر یوم من شهر رمضان»؛ ای بندگان خدا! کمترین چیزی که به زنان و مردان روزه دار داده می‌شود، این است که فرشته‌ای در آخرین روز ماه رمضان به آنان ندا می‌دهد:

«إبشروا عباد الله فقد غفر لكم ما سلف من ذنوبکم»؛ هان! بشارتتان باد ای بندگان خدا! که گناهان گذشته‌تان آمرزیده شد!

۱. صحیفه جامعه سجادیه، دعا ۱۴۲ و اقبال، سید بن طاووس، باب ۳۴.

و اما هشدار و انداز: در ادامه روایت بالا آمده است: «فانظروا كيف تكونون فيما تستأنفون»؛ پس به فکر آینده خویش باشید که چگونه بقیه ایام را بگذرانید؟ «و لزمنا له الذمام المحفوظ و الحرمة المرعية و الحق المقضى»؛ ما باید حقی که او به عهده ما دارد رعایت کنیم و حرمتی که نزد ما دارد ارج بنهیم و به تعهدی که بین ما و اوست وفا کنیم.^۱

چگونه می‌توان دستاوردهای این ماه را حفظ کرد؟
به اندازه فرصت جلسه به دو راهکار اشاره می‌کنیم:
۱. سه روز از هر ماه را روزه گرفتن که سنت پیامبر ﷺ بوده است و ثواب روزه سال برای کسی که بر آن مداومت داشته باشد، نوشته خواهد شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ صَامَ كَذَلِكَ فَكَأَنَّمَا صَامَ الْعَامَ كُلَّهُ، وَبِذَلِكَ تَذَهَّبُ عَنْ صَدْرِهِ الْوَسَاوِسُ الشَّيْطَانِيَّةُ.» سَأَلَ الرَّاوي: فَمَا هِيَ تِلْكَ الْأَيَّامُ؟

فَقَالَ: «أَوَّلُ خَمِيسٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَ أَوَّلُ أَرْبَعَاءٍ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَّاسِطِ وَ آخِرُ خَمِيسٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ.»^۲

این کار کمک می‌کند حال و هوای روزه ماه رمضان و تمرین تقوایی آن در طول سال امتداد پیدا کند، ضمن این که سه روز روزه در ماه برای کسانی که حفظ دستاوردهای ماه رمضان برایشان مهم است، کار خیلی سختی نیست.

۱. میزان الحکمه، ج ۷، صص ۱۳۱-۱۳۲.

۲. زاد المعاد- مفتاح الجنان، مجلسی، ص ۲۸۶.

۲. محاسبه روزانه اعمال: اگر کسی بخواهد بارش برای قیامت سنگین نشود و افسار نفسش از دستش بیرون نرود، لازم است اعمال خود را به صورت روزانه مورد محاسبه قرار دهد و چنانچه از او کوتاهی و غفلت و خدای نکرده معصیتی سر زده است، استغفار نماید. این کار آنقدر اهمیت دارد که حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَرَّازَ اللَّهُ مِنْهُ وَحَمِدَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَإِنْ عَمِلَ شَرًّا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ.»^۱

این کار باعث می شود قبل از آنکه گناهی زمینه ساز گناهان بزرگتر شود، فرد از آن استغفار کند، چرا که گفته اند: اندک اندک خیلی و قطره قطره سیلی می شود و قیامت را از بین می برد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با اصحابشان در زمینی خالی از گیاه فرود آمدند و به اصحاب خود فرمودند: هیزم بیاورید. گفتند: آقا اینجا چیزی نیست، فرمودند: بگردید. رفتند و چیزهایی جمع کردند، روی هم ریختند و مقدار قابل توجهی هیزم شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هَكَذَا تَجْتَمِعُ الذُّنُوبُ ثُمَّ قَالَ إِيَّاكُمْ وَ الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ طَالِبًا أَلَا وَإِنَّ طَالِبَهَا يَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ.»^۲

اینگونه گناهان جمع می شود (و آتشی باور نکردنی برای قیامت

۱. زاهد کیست؟ وظیفه اش چیست؟ ترجمه الزهد، کوفی اهوازی، ترجمه عبدالله صالحی، ص ۱۶۶.

۲. إشارة إلى قوله سبحانه في سورة يس آية ۱۲: «وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا... الخ.»

۳. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۸۸.

می‌سازد) سپس حضرت فرمودند: از گناهان کوچک شمرده شده بپرهیزید، زیرا که هر چیزی طالبی دارد؛ بدانید طالب و جوینده گناهان، آنچه را مردم پیش فرستادند و نیز آثار آینده آن را می‌نویسد. اگر کسی این محاسبه را هر شب قبل از خواب انجام دهد و گناهان روزش را تصفیه کند و برای روز بعدش تصمیمات جدی مبنی بر ترک آن گناه را بگیرد، در این صورت می‌تواند مقام‌های معنوی خود را حفظ کند.

بعد از استغفار، اگر می‌خواهیم از پاک شدن گناهان روزمان اطمینان حاصل کنیم، به راهکاری که امام رضا علیه السلام ارائه فرموده‌اند، عمل کنیم:

«يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ بَكَيْتَ عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا»^۱

ای پسر شیب! اگر بر حسین علیه السلام گریه کنی؛ به گونه‌ای که اشک چشم‌هایت بر گونه‌هایت جاری شود، خداوند همه گناهانی را که مرتکب شده‌ای، کوچک یا بزرگ و کم یا زیاد، می‌آمرزد.

روضه گوش کن یا خودت برای خودت روضه بخوان یا فقط روضه‌هایی را که یک عمر شنیده‌ای، به خاطر بیاور و ولو به اندازه بال مگسی اشک بریز، خیلی سریع احساس طهارت و پاکی می‌کنی. در این هنگام یک سلام به ارباب بی‌کفن بده و بگو السلام علیک یا ابا عبد الله!

۱. الأمالی (للصدوق)، النص، ص ۱۳۰.

فهرست تفصیلی

آداب دعا	۱۵
انگیزه‌سازی	۱۵
اقتناع اندیشه	۱۶
پرورش احساس	۱۷
رفتارسازی	۱۹
روضه	۲۱
دعا	۲۵
انگیزه‌سازی	۲۵
اقتناع اندیشه	۲۶
پرورش احساس	۲۸
رفتارسازی	۳۱
روضه	۳۲
ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) و پاسخ به شبهات	۳۵
انگیزه‌سازی	۳۵
اقتناع اندیشه	۳۸
پرورش احساس	۴۰
رفتارسازی	۴۱
روضه	۴۲
معرفت به امام (ویرگی ائمه علیهم السلام : علم)	۴۵
انگیزه‌سازی	۴۵
اقتناع اندیشه	۴۶
پرورش احساس	۴۹
رفتارسازی	۵۱
روضه	۵۲
امام زمان و شب قدر	۵۵
انگیزه‌سازی	۵۵
اقتناع اندیشه	۵۶
تحریک احساس	۵۸
روضه	۶۲
حب اهل بیت (علیهم السلام)، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزندان	۶۵
انگیزه‌سازی	۶۵
اقتناع اندیشه	۶۶
پرورش احساس	۶۸
رفتارسازی	۷۰
روضه	۷۲

اطاعت از اہل بیت علیہ السلام ، شیعہ و ویژگیہا	۷۵
انگیزہ سازی	۷۵
اقتناع اندیشہ	۷۷
پرورش احساس	۷۸
رفتار سازی	۸۰
روضہ	۸۲
دفاع از شیعہ (۱. پاسخ بہ شبہات و ہاییت- زیارت)	۸۵
انگیزہ سازی	۸۵
اقتناع اندیشہ	۸۶
پرورش احساس	۹۰
رفتار سازی	۹۳
روضہ	۹۳
دفاع از شیعہ (۲. پاسخ بہ شبہات و ہاییت- توسل)	۹۵
انگیزہ سازی	۹۵
اقتناع اندیشہ	۹۶
پرورش احساس	۹۹
رفتار سازی	۱۰۲
روضہ	۱۰۳
مقام شیعہ در قیامت	۱۰۵
انگیزہ سازی	۱۰۵
اقتناع اندیشہ	۱۰۶
پرورش احساس	۱۰۸
رفتار سازی	۱۱۱
روضہ	۱۱۲
شیعہ و آخر الزمان و ظهور امام زمان علیہ السلام	۱۱۵
انگیزہ سازی	۱۱۵
اقتناع اندیشہ	۱۱۶
پرورش احساس	۱۱۷
رفتار سازی	۱۲۰
روضہ	۱۲۲
رجعت و بازگشت امامان و شیعیان شان و حکومت صالحان در زمین	۱۲۵
انگیزہ سازی	۱۲۵
اقتناع اندیشہ	۱۲۶
پرورش احساس	۱۲۹
رفتار سازی	۱۳۱
روضہ	۱۳۳
عید فطر و حفظ دستاوردہاے ماه مبارک رمضان	۱۳۵
انگیزہ سازی	۱۳۵
اقتناع اندیشہ	۱۳۶
پرورش احساس	۱۳۷
رفتار سازی	۱۳۹